نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۲۱۱
سه‌شنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ - تکشماره ۱۵ ریال

خطر ضدانقلاب جدی است
باید با آن برخورد جدی کرد

اطلاعات واصله ـ که در نامه «مردم» دیروز انتشار یافت ـ وجود نقشه معینی را که امپریالیست‌های آمریکا علیه انقلاب ایران طرح کرده‌اند، آشکار و افشا کرده است. این نقشه درسلسله پیوسته توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه ایران مرحله معینی را تشکیل میدهد. طبق این نقشه، عملیات ایذائی نظامی وتجاوزات محدود وپی‌درپی ازسوی رژیم بعثی عراق بمرزهای ایران در نواحی خوزستان و کردستان برای تهیه زمینه مقدماتی جهت یک «قیام» ضد انقلابی در خوزستان با تکیه به پشتیبانی عناصری در ارتش ایران است. این «قیام» ضدانقلابی در صورت توفیق قرار است «خوزستان آزاد» ویا «ایران آزاد» را اعلام کند. سپس این «حکومت آزاد» ازرژیم بعثی عراق ودیگر دولت‌های ارتجاعی منطقه تقاضای حمایت کند. بدنبال این تقاضا، ارتش رژیم بعثی عراق به تجاوز گسترده علیه ایران دست بزند. درعین‌حال «مراجعه» این «حکومت آزاد» بدیگر دولت‌ها، از جمله

صفحه ۲

پیروزی بر امپریالیسم امریکا را باید سازمان داد

امپریالیسم امریکا دامنه اقدامات خود علیه انقلاب ایران وخلق ایران را گسترش میدهد وبرشدت آن‌ها میافزاید. البته خلق قهرمان ما، همانطورکه رهبر انقلاب امام خمینی ومقامات مسئول کشورمتذکر شده‌اند، هیچ ترسی ازاینگونه تهدیدها وتلاشهای امپریالیسم نداشته وندارد.

مردم مصمم وبیدار ایران به پیروزی نهائی وقطعی خود دراین نبردسرنوشت‌ساز علیه دشمن حیله‌گر جهانخوار اطمینان کامل دارند. اما این اطمینان بهیچوجه متکی باین تصور نادرست ومضرنیست که گویا اقدامات امپریالیسم امریکا علیه ایران جدی وبااهمیت نیست. لذا برای دفاع ازانقلاب ،ازمنافع واقعی مردم و

بقیه در صفحه ۲

نظر آیت‌الله منتظری کاملا درست است

آیت‌اله منتظری درنامه‌ای به امام خمینی، رهبر انقلاب، درارتباط با سفریك هیأت ایرانی به لیبی برای تحقیق پیرامون موسی‌صدر، ازجمله نوشته‌اند:

«...اینجانب ضمن احترام عمیقی که نسبت به جناب آقای صدر قائلم و ایشان از دوستان اینجانب می‌باشند، وتحقیق نسبت به امرایشان را لازم‌میدانم، ولی تذکرمی‌دهم که در شرایط حساس قطع رابطه آمریکا با ایران ازطرفی وتشکیل کنفرانس سران کشورهای جبهه پایداری سوریه، الجزایر، لیبی، یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین در لیبی به منظور تصمیم درمقابل اسرائیل ورژیم دست‌نشانده سادات ازطرف دیگر، مطرح کردن موضوع فوق نتیجه‌ای جز تیره کردن روابط لیبی با ایران وبرپاکردن جنجال‌سیاسی نخواهد داشت وقهراً بنفع آمریکای جنایتکار تمام خواهد شد. لذا تأخیراعزام هیأت مزبور را ضروری می‌دانم. اینست تشخیص اینجانب وتصمیم با رهبر انقلاب وملت قهرمان ایران است».

درصفحه ۲

در اوج جنایات آمریکا و عراق علیه مسلمانان:

کنفرانس اسلامی برای محکوم کردن جنایات آمریکا و عراق علیه ایران چرا تشکیل نمیشود؟

امپریالیسم خونخوار آمریکا آشکارا برچهره ایران انقلابی پنجه میکشد. آمریکاو یارانش دندان خشم برهم می‌سایند، تالحظه‌ای‌فرابرسد که از حلقه محاصره میهن قهرمان‌ما، نیروهای‌زهرآگین خود را به سینه مردم دلاور ایران نشانه برود. سناتورهای آمریکایی، بعدازدیدارناوهای جنگی آمریکا درمنطقه آشکارا میگویندکه خلبانهای‌آمریکایی بی‌تاب بمباران ایران هستند. انقلاب ایران را امپریالیسم جنایتکار آمریکابه‌خطرانداخته است.

این خطر کجا را تهدید میکند؟ ایران‌را. ساکنان‌سرزمین ایران‌کیانند؟ کفارند؟ نه. مذهب اکثریت قریب به‌اتفاق ایرانیان اسلام‌است. یعنی‌که خطرمیلیونها مسلمان ایرانی را تهدیدمیکند. رهبر ایران‌کیست؟ یك روحانی رزمنده ضدامپریالیست. یك مرجع تقلید شیعیان (میکوئید توضیح واضحات میدهیم؟ حق باشماست، ولی‌کمی صبورباشید).

درغرب مرزهای ایران دولت جنایتکار عراق در کار تکمیل‌توطئه‌امپریالیسم‌آمریکاست. هر روز هزاران انسان با جامه خواب از رختخواب‌بیرون‌کشیده میشوند. تنهایشان راجکمه‌های مزدوران میکوبد. کودکان در آغوش مادران ضجه میزنند. مادران سربرهنه ویکتا پیراهن دنبال‌جگرگوشگان‌خودمی‌گردند پاسخ فریاد آنها مشت مزدوران عراقی است. ازچهارسوی عراق شبانه‌روز این‌انسان‌های‌زحمتکش را بابدترین توهین‌ها بخاك ایران‌میآورند. آنهارا به‌بیرحمانه‌ترین شکلی درکمپ‌ها رویهم میریزند و آنگاه درخاك ایران «تخلیه» میکنند.

اینان کیانند؟ این‌انسانها که چنین ستمی برآنها میرود، کیستند؟صهیونیست‌اند؟ نه. کیانند اینها؟ اینها مسلمانند. اینها شیعیان عراقند.

این‌دو منظره راکنارهم بگذارید، نتیجه اینست:میلیونها مسلمان مورد هجوم وحشیانه امپریالیسم آمریکا وهمکارانش قرارگرفته‌اند. آنوقت «مسلمان دوستان» جهان در سکوت مرگ فرورفته‌اند.

ضیاءالحق، دیکتاتورخائنی که برای دفاع از «مسلمانان»

درصفحه ۲

امریکا، امریکا، این آخرین پیام است
ارتش ۲۰ میلیونی آماده قیام است

دیروز سازمانها و انجمن های مسلمان دانشجوئی طی راه‌پیمائی با شکوهی بسوی لانه جاسوسی، عزم راسخ خود را، همگام با خلق قهرمان ما، برای ادامهٔ مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ما و خلق‌ما ، اعلام داشتند.

تاکتیك انقلاب و ضدانقلاب در کردستان

□ کومله‌درحرف حکومت‌عراق‌را محکوم‌می‌کند، ولی‌آماده جنگ‌باارتش ایران، درصورت‌مقابله با تحریکات عراق درکردستان است!

امپریالیسم آمریکا رابطه سیاسی خود را با ایران قطع کرد و کشور ما را به محاصره اقتصادی و اقدامات تضییقی دیگرتهدید نمود.

رژیم بعثی عراق، که از ابتدای انقلاب ایران به تحریك، حادثه‌سازی و توطئه علیه انقلاب ما مشغول است، در پی گسترش مبارزات ضدامپریالیستی در ایران، تحریکات خود را شدت داد و عوامل مخرب خود را با شدت علیه انقلاب تجهیز کرد. عراق با اقدام به عمل ضدانسانی آواره‌کردن هزارها ایرانی ساکن این کشور، کین و نفرت خود را از انقلاب ایران نمایان ساخت وعزم خود را به‌گسترش حملات خویش علیه ایران آشکار ساخت.

بختیار و پالیزبان در عراق، اویسی در رابطه نزدیك با این خائنین‌و سرهنگ علی‌یار از عوامل رژیم سرنگون‌شده ایران برای توطئه علیه انقلاب ایران، جلسات متعدد تشکیل داده و میدهند و عوامل رژیم بعثی عراق چون شیخ عثمان، سیدجلال حسینی و گروهك مائوئیستی کومله، با تمام قوا میکوشند تا جهت اصلی مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را منحرف سازند و آتش جنگ برادرکشی را در کردستان برافروزند.

این توطئه‌ها با دو پیام اخیر امام مبنی بر رد شیوه سازشکاران در برخورد با امپریالیسم آمریکا، که این امپریالیسم‌درنده را در حصول به مقاصد شوم خویش به شیوه‌های پیشین مایوس کرد، وارد مرحله جدیدی شد.

همزمانی وقوع این دو حادثه (قطع‌رابطه با آمریکا و بیرون راندن ایرانیان از عراق) بیانگر همکاری عملی رژیم بعثی عراق با امپریالیسم آمریکا است. رژیم بعثی عراق، که خود در جهت سرکوب خلقهای این کشور، از شیوه‌های فاشیستی استفاده‌میکند، نمی‌تواند از گسترش و پیروزی‌یك انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی در مرز مشترك خویش بیمناك نباشد. این رژیم از ابتدای پیروزی انقلاب‌ایران به‌معارضه با این انقلاب‌پرداخت و به‌یکی‌از پایگاههای عمال رژیم منفور پهلوی در توطئه علیه انقلاب ایران تبدیل شد.

آشکارشدن سیاست خائنانه رژیم بعثی عراق که با گسترش جنبش ضدآمریکائی در میهن ما و تحکیم وحدت مبارزه ضدامپریالیستی در کشور ما همزمان بود، کلیه نیروهای انقلابی و مترقی را به واکنش علیه این رژیم جنایتکار برانگیخت.

در کردستان نیز نیروهای مترقی و انقلابی و نیز خلق کرد در مجموع خویش با شور فراوان دست‌اتحاد ضدامپریالیستی‌خلق‌های ایران را علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق‌فشردند و قاطعانه تحریکات‌آنرا محکوم کردند و آمادگی خود را برای مقابله با هرگونه توطئه این رژیم اعلام داشتند.

نیروهای مترقی و انقلابی کردستان، علیرغم کاستی‌هائی که درمذاکرات صلح‌کردستان پدید آمده، علیرغم‌آنکه این‌مذاکرات هنوز نتیجه و فرجام قطعی و مثبت خود را نیافته است، در این اتحاد و رزم ضدامپریالیستی شرکت جستند. از جمله در سنندج به مناسبت قطع‌رابطه با آمریکا و دعوت به وحدت از جانب امام خمینی، شورای انقلاب و رئیس جمهور، تظاهرات پرشوری بدعوت حزب دمکرات کردستان ایران ـ تشکیلات سنندج برگزار شد، که در آن اکثریت مردم شهر شرکت داشتند. در این راه‌پیمائی مردم ضمن دادن‌شعارهائی‌علیه امپریالیسم آمریکا، توطئه‌های‌رژیم بعثی عراق را محکوم کردند، خرسندی خود را از قطع رابطه با شیطان بزرگ اعلام داشتند و آمادگی خودرا جهت جانبازی در راه حفظ مرزهای ایران بیان کردند. سخنرانان در این راه‌پیمائی از رهبری‌قاطع امام خمینی تجلیل کردند و مردم را به آمادگی و بسیج برای مقابله با توطئه‌های رژیم‌بعثی و تهاجم‌عراق فراخواندند. در قطعنامه این‌راه‌پیمائی پرشکوه‌ضدامپریالیستی‌از جمله‌آمده‌است:

«اعلام محاصره‌اقتصادی و تهدیدات‌نظامی از جانب امپریالیسم جنایتکار آمریکا علیه ایران را محکوم نموده و با تمام توان و امکان آماده مقابله با هرگونه محاصره و تهدیدات و اعمال تجاوزکارانه آن هستیم.

ـ ما امپریالیسم آمریکا را دشمن شماره ۱ خود دانسته و هرگونه اقدامی در جهت قطع کامل وابستگی به این غارتگر را گامی مهم دانسته و مورد پشتیبانی و تائید ما میباشد.

صفحه ۲

کنفرانس طرابلس
گام مهمی‌است درتقویت واستحکام وحدت جبهه ملی پایداری در برابر تجاوز اسرائیل و امپریالیسم آمریکا

روز ۲۴ فروردین ، کنفرانس کشورهای عضو جبهه پایداری ومقاومت درسطح سران‌کشورها و دول عضواین جبهه درطرابلس آغازبکارکرد.

بقیه در صفحه ۲

ما، در راه وحدت خلق گام برمی‌داریم، ولی دیگران...؟

پیامهای وحدت

برملت شریف ایران است‌که در هرمسلکی ویا هرگروهی هستند ازاختلاف ونفاق وکارشکنی برای یکدیگر دست‌بردارند و دشمنان را باوحدت کلمه درهم‌کوبند ونزاع‌های شخصی، گروهی‌را که جزاز هوای نفس برنمی‌خیزد ودر صورت رشد همه را به‌تباهی میکشد وکشوررا به‌خرابی سوق میدهد ، کنار بگذارند .

(امام خمینی ـ ۱۴ فروردین)

مامنتظر حمله شیطان بزرگ ابرقدرت امریکا و دست‌نشاندگانش بودیم واکنون آنروز فرارسیده است . جناحهای سیاسی باید مسائل گروهی واختلافات کوچك و بزرگ خود را فراموش کنند وتوجه‌داشته باشندکه هرحرکت ناشی ازخودخواهی وگروه گرائی ممکن است صفوف یکپارچه مردم را دچار تشتت و سرگردانی کند و این فاجعه‌ایست که ملت ایران و تاریخ آینده آن ازآن اغماض نخواهد کرد.

(شورای انقلاب ـ ۲۰ فروردین)

وحزب توده‌ایران به‌پیروی ازمشی اصولی وانقلابی خود، به‌پیام وحدت امام وشورای انقلاب پاسخ مثبت داد وگفت :

باید تمام مشاجرات وتمام وجوه‌اختلافات مسلکی ،عقیدتی وسیاسی موجود بین‌گروهها ، سازمانها واحزاب کنارگذارده‌شود وهمه مردم‌ایران ، همه‌نیروهای انقلابی ایران ، درجبهه‌متحدنبرد بادشمن مشترك ـ امریکای جنایتکار ـ زیررهبری قاطع وآشتی ناپذیر امام خمینی ،رهبرانقلاب ایران بسیج شوند . این‌ضرورت مبرم روزاست .

(کمیته مرکزی حزب توده‌ایران ـ ۲۰ فروردین)

وحزب توده ایران به‌سیاست خود وبه‌تعهد خود عمل‌کرد.

صداهای نفاق

روزنامه جمهوری اسلامی در روز ۲۴ فروردین در صفحهٔ چهار نوشت :

چندی پیش‌دفتر مجاهدین خلق همراه بادفتر چریکهای فدائی خلق ودفترتوده‌ایها دربانه افتتاح شد وتاکنون بین‌آنها همگامی های‌گسترده‌ای وجودداشته‌که‌نمی‌تواند بدون برنامه‌ریزی قبلی باشد.

ادامه این خبرسرشار ازتهمت علیه‌نیروهای یادشده بود.

بدنبال چاپ این خبرنادرست ، سازمان مجاهدین خلق ایران طی اعلام جرمی ، به‌دادستان انقلاب اعلام داشت که این سازمان درکردستان دارای دفترنیست .

روزنامه جمهوری اسلامی درروشنبه ۲۵ فروردین،مطلب دیگری عین مطلب بالا را تکرارکرد.

درهمین‌شماره ۳ مطلب علیه‌حزب‌توده ایران به‌چاپ‌رسیده است ، درصفحه دوم این شماره روزنامه جمهوری اسلامی ، مطلبی تحت‌عنوان «غلامان خانه‌زاد ارباب شمالی» ، درصفحه سوم ادامه مطلبی تحت عنوان نامردمی‌های «مردم» که دو روز چاپ آن متوقف شده بود . ودرصفحه دهم مطلبی تحت عنوان «نامه یك هموطن ارمنی به‌روزنامه جمهوری اسلامی» علیه حزب توده‌ایران چاپ شده است .

☆☆☆

مابنابر تصمیم وتعهد خود فعلا باین صداهای نفاق (در بخشی که مربوط بماست) پاسخ نمی‌گوئیم .

برای مبارزه باامپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

پیروزی بر امپریالیسم...

بقیه ازصفحه ۱

کشور، باید بمقابله جدی، مشخص و عملی این تلاشها برخاست.

باینمنظور، یعنی برای مقابله موثر با تلاشهای دشمن اصلی وخنثی کردن آنها باید:

اولا ـ همه اقدامات احتمالی امپریالیسم امریکارا بررسی کرد وشناخت.

ثانیا ـ امکانات متقابل خودرا بدقت و تفصیل ازنظر گذراند.

ثالثا ـ و بویژه ابتکار عمل در این مبارزه سرنوشتساز رااز دست نداد و بابررسی وبسیج همه امکانات واقعی خود، بیك رشته اقدامات مشخص، مستقل، پیشگیر وقاطع دست زد.

اقداماتیکه امپریالیسم امریکا علیه ایران طرحریزی و پیاده میکند دررشته‌های گوناگون اجتماعی، مادی ـ اقتصادی، سیاسی ـ دیپلوماسی، معنوی ـ فرهنگی، ایدئولوژی ـ تبلیغاتی ونظامی است. ضمنا این تلاشها بهیچوجه جداگانه صورت نمیگیرند، بلکه در پیوستگی باهم، با بهره‌گیری ازهمه امکاناتیکه امپریالیسم امریکا درکشور خود، در کشورها و در سطح جهانی دارد، علیه انقلاب ومردم ایران بکار گرفته میشوند.

اقدامات مادی ـ اقتصادی امپریالیسم امریکا علیه ایران از بخش دارائی (مثلا ایجاد دشواریها در مبادلات ارزی، توقیف ارزهای ایرانی موجود دربانکهای تابع سیستم مالی امپریالیسم امریکا، ممانعت ازسرمایه‌گذاری درایران وغیره) گرفته تاایجاد دشواریها درکار صنایع، کشاورزی، بازرگانی (که دررژیم جنایت‌پیشه سابق وابسته به‌امریکا بوده‌اند) تااقدام به محاصره اقتصادی کشوروغیره میتواند گسترش یابد. درعین حال در اجرای اینگونه اقدامات اقتصادی دولت کارتر ازطرق سیاسی وکانالهای دیپلماسی برای تاثیر درمناسبات اقتصادی ایران با سایر کشورها بوسعت استفاده می‌کند تا کشورهای دیگررا نیز ترغیب و تشویق ویا مجبور به‌اعمال فشارهای گوناگون به ایران کند.

بدین ترتیب دیده میشود که اقدامات سیاسی ودیپلماسی امپریالیسم امریکا علیه ایران تنها هدفش مثلا قطع رابطه سیاسی ودیپلماسی دیگر دولتها با ایران نیست. درهمین نمونه دیده میشود که چگونه تلاشهای اقتصادی امپریالیسم امریکا علیه ایران در عین حال، با اقدامات ایدئولوژیك ـ تبلیغاتی، با جنگ روانی علیه ایران، با تحریك و تحریص دول دیگر، باتحت فشارگذاشتن آنها برای تبعیت از امپریالیسم امریکا واجرای اقداماتی علیه ایران پیوستگی پیدا میکند.

امپریالیسم جهانخوار امریکادراجرای محاصره اقتصادی ایران (چنانکه درباره دیگر کشورها نیز معمول داشت وباعدم موفقیت وشکست روبرو شد) ممکن‌است مثلا تا سرحد مین‌گذاری در آب های ساحلی ایران پیش رودکه این خود نوعی اقدام مسلح ومداخله نظامی علیه ایران است.

بدین ترتیب دیده میشودکه اولا ـ دخالت نظامی امپریالیسم امریکا علیه ایران تنها بمعنای اعلان جنگ آندولت بایران وحمله مستقیم نظامی (هوائی، دریائی، زمینی) بمرزهای ایران نیست. ثانیا ـ ملاحظه میشودکه چگونه تلاشهای اقتصادی، درعین حال میتواند بااقدامات نظامی نیز پیوستگی داشته باشد.

واما مداخله نظامی، که مشاور «امنیتی» کارتر آقای برژینسکی، با صراحت و وقاحت هرچه تمامتر ایرانرا بدان تهدید کرده است، خود شکل‌ها و درجات مختلفی داردکه همین تعرض نابخردانه دولت ضدخلقی صدام حسین به‌مرزهای ایران، (بهانه آقای برژینسکی برای مداخله) یکی ازآنهاست.

درسطح جهانی، چنانکه خبر های پی‌درپی حاکی است، امپریالیسم امریکا کوشاست دردرجه اول دوستان و«متحدین طبیعی» خود، یعنی امپریالیست های دیگر دراروپای غربی وژاپن رانیزبه‌پیروی ازخود وتحت فشار قراردادن ایران وادار کند. باین منظور نیز امریکا همه امکانات گوناگون خودرادرکلیه رشته‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ونظامی بکار انداخته وخواهد انداخت. البته واضح است که‌جبهه‌جهانی‌امپریالیسم خود گرفتار تضادهای فراوان درونی‌است. اماباید بخوبی دانست وتردیدی نداشت دراینکه هرگاه منافع‌غاصبانه‌امپریالیسم باخطری جدی روبرو شود، ماهیت‌مشترك و طبیعت عمومی آن بروز میکند و بر تضادهای درونی اش توفیق مییابد واین خود یکی ازمعیارهای قاطعیت جنبش آزادیبخش ضدامپریالیستی است.

اینکه دولتهای عضو «بازار مشترك» (انگلستان، آلمان غربی ودیگران) و دولت ژاپن تحت فشار مستقیم دولت امریکا به اقداماتی در جهت تلاش های کارتر علیه ایران دست میزنند، خود نمونه بارز ماهیت مشترك امپریالیستی این دولتهاست.

واینکه همه مردم ایران به پیروی از رهبر خود امام خمینی قطع رابطه باامپریالیسم امریکارا جشن همگانی‌اعلام کردند به نشانه خرسندی از قاطعیت انقلابی‌جنبش‌آزادی بخش ضدامپریالیستی ایران است.

درعین حال دولت امریکا حداکثرتلاش خودرا میکند تادوستان ایران ومتحدین طبیعی انقلاب آزادیبخش ضدامپریالیستی آنرا ازآن دورکند، ایرانرا در صحنه سیاست جهانی منفرد سازد، در نبرد رویاروی با غدارترین دشمن، یکه وتنها وضعیف کند.

دراین رابطه، دردرجه‌اول، امپریالیسم امریکا نهایت تلاش خودرا بکاربرده و میبردتا انقلاب ایران راازپشتیبانی‌بیدریغ همه‌جانبه وموثر دوستان طبیعی آن: سیستم جهانی سوسیالیسم، جنبش جهانی کارگری، جنبش رهائی بخش ملی ضدامپریالیستی محروم کند. باین منظور نیز امپریالیسم ازهمه وسائل و امکانات خوداستفاده میکند، بویژه‌آن‌پیشداوری‌های نادرستی‌که درنتیجه تلاش سالیان دراز همین امپریالیسم وعمالش درذهن بعضی‌ها ایجاد شده وریشه دوانده است، بهره‌گیری میکند.

درنوبت دوم، امپریالیسم امریکا با استفاده ازنظایر همین پیشداوریها، با بهره‌گیری ازمواضع طبقاتی غیر خلقی بعضی نیروهای سیاسی درجرگه کشورهای غیرمتعهد، نهایت تلاش و کوشش را بخرج میدهد تا نیروها ودولتهائی ازاین جرگه را رودرروی نیروها ودولت های دیگراین‌جرگه بگذارد تاجنبش‌غیرمتعهد رااز سمت صحیح ضدامپریالیستی و آزادی‌بخش منحرف سازد، ضعیف کند واز درون متلاشی نماید.

درهمین زمینه‌است تلاشهای روزافزون امپریالیسم امریکا برای رودررو گذاشتن دولتها وخلقهای همسایه وهم‌کیش ایران وافغانستان. درهمین رابطه است که امپریالیسم امریکا (که بزرگترین‌دشمن آشتی‌ناپذیر وآشکار همه‌خلقهاوکشورهای اسلامی، یعنی صهیونیسم راسراپا مسلح کرده است) ریاکارانه دم ازهواداری از اسلام میزند تابدست‌عناصر پلیدی چون انورسادات وصدام حسین بهانه برای باصطلاح «توجیه» خدمتشان به‌امپریالیسم وخیانتشان بخلق خود ودیگر خلق های جهان داده باشد.

واماآنچه مربوط به‌امکانات‌امپریالیسم امریکا درداخل کشورما وعلیه کشور ماست، علاوه بربقایای جدی وابستگی عمیق همه زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی کشور به امپریالیسم، دردو کلمه یعنی «ضدانقلاب» خلاصه میشود.

اینها تنها نمونه‌هائی از امکانات و اقدامات امپریالیسم علیه انقلاب ایران و مردم ایران است. ازبررسی مختصرهمین چند نمونه نیز بقدر کافی آشکار است که درمبارزه سرنوشت سازعلیه‌امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، باید همه رشته‌های تولیدی‌مادی‌ومعنوی، همه زندگی اجتماعی ـ اقتصادی، سیاسی ـ دیپلماسی، معنوی ـ فرهنگی، ایدئولوژی ـ تبلیغاتی ونظامی بسیج گردد. در لحظه کنونی‌همه‌نهادهای انقلاب وهمه ارگانهای دولت جمهوری اسلامی ایران باید کلیه نیروها وامکانات خودرا ازنظر پیشرفت این مبارزه وبنحوی همه‌جانبه و دقیق بررسی کنند، طرحهای مشخص مناسب باحالات گوناگون احتمالی‌که ممکن‌است پیش آید، تهیه نمایند ودرذخیره داشته باشند.

این امر نمیتواند تنها بعهده وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران محول باشد. درعین حال وزارت امور خارجه طبعا موظف است در این مبارزه نقش مبتکر، فعال و هم‌آهنگ کننده فعالیت دیگر ارگانهای دولت ونهادهای انقلاب راایفا کند.

قاطعیت درمبارزه بادشمن اصلی، که امپریالیسم حیله کاروجهانخوارامریکاست، شرط اول ازهمه شرط های لازم پیروزی است. وحدت همه نیروهای راستین‌انقلاب، همه نیروهای مادی ومعنوی توده‌هاشرط دیگر ضروری است. این وحدت وقتی موثر، قاطع وبراست که سازمان داده شده باشد، بعقیده ما جبهه واحد خلق بهترین شکل سازمانی برای چنین‌وحدتی است. اما وجود همه این شرط های لازم، هنوز کافی نیست. تنها اعتقاد و اطمینان به پیروزی درمبارزه علیه دشمنی همچون امپریالیسم امریکابرای تحصیل پیروزی کافی نیست. پیروزی‌برامپریالیسم امریکارا باید سازمان داد. واین وظیفه همه مردم، ودردرجه اول وظیفه همه مقامات وارگانهای مسئول‌جمهوری‌اسلامی ایران است.

حزب دمکرات کردستان ایران ادعای ابوشریف را تکذیب میکند

عبدالرحمن قاسملو، از جانب حزب دمکرات کردستان ایران، طی‌تلگرامی به‌روزنامه‌ها، که رونوشت‌آن برای‌نامه«مردم» نیز ارسال شده است، ادعای ابوشریف، فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران، را در مورد اینکه از جانب عبدالرحمن قاسملو هیئتی برای خرید اسلحه بمسکو اعزام شده است، تکذیب کرده و آنرا کذب محض خوانده است.

بیست و نهمین سالگرد شهادت محمدعلی کارگر

بیست‌ونهمین سالگرد شهادت رفیق **محمدعلی کارگر**، از مبارزین فعال حزب تودهٔ ایران است.

رفیق **محمدعلی کارگر**، که به علت مبارزات ضدامپریالیستی و ضداستبدادی خویش توسط دژخیمان رژیم پهلوی به شهادت رسید، درسال ۱۳۰۴ درروستای کترق، واقع درآذربایجان‌متولد شد. اوکارگر راه‌آهن بود ودر طول حیات کوتاه خود هیچگاه دست از مبارزه باامپریالیزم و دیکتاتوری برنداشت. مبارزات وی باعث گردیدکه رئیس انبار کالاهای‌تهران، ضمن تهدیدهای متعدد به‌او اخطارکندکه دست‌از مبارزه بردارد. اما اوکه یك توده‌ای پیکارجو بود، بدون توجه به‌این تهدیدات به‌راه خود ادامه داد. تااینکه سرانجام ۲۹ سال پیش در چنین روزی، درحالیکه بیش از ۴۰ روز از ازدواجش نمی‌گذشت، عوامل وابسته‌به‌رژیم منحله پهلوی او را درمیان دو واگن قطار گذاشتند و به‌وضع اسفباری به‌شهادت رساندند.

به‌دستورتشکیلات حزب‌توده ایران جسد این‌مبارز توده‌ای‌در امامزاده عبدالله به‌خاك سپرده شد، درحالیکه گروه زیادی از کارگران راه‌آهن، دخانیات، نیلو وچیت‌سازی در تشییع‌جنازه وی شرکت کردند.

یادش گرامی باد!

تکذیب

روزنامهٔ «کار» ارگان‌سازمان چریکهای فدائی خلق، درشماره ۵۲ خود، انتشار اسنادپلنوم‌این سازمان را کار حزب‌توده ایران دانسته وبدین مناسبت حزب‌توده ایران را به«جاسوسی»، «سرقت» و... متهم ساخته است.

ماپاسخ به‌ناسزاهاواتهامات «کار» را آماده‌کرده بودیم، ولی انتشار آن مصادف شد باتصمیم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران مبنی‌برقطع مشاجره با احزاب، سازمانها وگروههای سیاسی‌بعلت شرایط حساس‌کنونی، که میباید همه‌نیروها برضدشیطان بزرگ، امریکا متحد شوند وپیکار خودرا علیه این دشمن‌اصلی انقلاب، و خلق، متمرکز سازند. لذا از انتشار این پاسخ فعلاصرفنظر کردیم.

ولی برای رفع‌هرگونه‌شبهه ناچاریم دریك کلمه اتهامات «کار» را قاطعانه تکذیب کنیم.

خوانندگان گرامی میتوانند درخارج‌ازکشور به آدرس‌های زیر با «نامه‌مردم» مکاتبه کنند

بلژیك
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles

انگلستان
P.O. BoX 141
London. E7 OPE

فرانسه
Rigal Albert
BP 75160
75001 Faris
France

سوئد
Box 27730
27230 Stockholm

ایتالیا
Pci,Shams
Via G. Vincon, 46
Ostia (Roma)
Tel.6614922 (TUDEH)

مروری برمشکلات مردم

به‌نظرما جمهوری اسلامی آن نظامی است‌که در عین برخورداری از ویژگی ضداستبدادی و ضداستثماری، همچنین در جهت محو استثمار واستقرار جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی‌سمتگیری وحرکت‌کند.

اکنون اجازه دهید مروری اجمالی برانتظارات مرحله‌ای مجاهدین ازجمهوری اسلامی‌که دراعلامیه‌ای به‌تاریخ ۲۷اسفند۵۷ انتشار یافت داشته باشیم، بااین توجه‌که انتظارما ازاسلام وازیك حکومت اسلامی به‌معنای‌کامل وایده‌آل آن بسیار بسیار بالاتر از این است واین تنها یك برنامه‌ی حداقل وباتوجه به‌مقتضیات و مجموعه‌ی شرایط عینی وذهنی جامعه پیشنهاد شده‌ولی بیگمان‌اگر همین برنامه‌هم به‌اجرا درمی‌آمد راه را برای وصول به‌جامعه آرمانی‌توحیدی هموار می‌ساخت. رئوس‌این مطالب‌را دراعلامیه‌ی فوق‌الذکر این‌چنین می‌بینیم:

۱ـ خلع‌یدازسرمایه‌داری‌که مشخصاً شامل‌بانکهای‌خارجی، موسسات، کارخانجات ومزارع وابسته می‌باشد،

۲ـ اعمال حق‌کامل حاکمیت ملی‌برجمیع منافع‌وبویژه‌نفت وابطال‌کلیهٔ قراردادهای ننگین استعماری.

۳ـ احتراز از سرمایه‌گذاری‌های‌کلان درصنایع‌فوق‌العاده پیچیده وپرهزینه به‌نفع رشدصنایع متوسط وکوچك به ویژه در حوالی روستاها.

۴ـ بنیانگذاری یك‌ارتش مردمی بااز‌بین بردن ساخت ارتش مزدور شاهنشاهی.

۵ـ تضمین آزادی‌کامل مطبوعات واحزاب و اجتماعات سیاسی باهرعقیده ومرام.

۶ـ تأمین‌کامل حقوق سیاسی واجتماعی زنان.

۷ـ رفع ستم مضاعف ازهمهٔ شاخه‌ها و تنوعات قومی وملی وطن‌مان درکلیهٔ استان‌های‌کشور... درچارچوب‌وحدت‌ویکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کشور.

۸ـ استقلال‌کامل دانشگاهها ومدارس‌عالی.

۹ـ لغو کلهٔ مقررات ضدکارگری و تدوین قانون‌کار جدید کاربانظر خودکارگران.

۱۰ـ احیاء‌کشاورزی (رسیدگی به‌وضع دهقانان محروم و حل‌مسئله زمین باتقسیم‌اراضی بین‌دهقانان بی‌زمین).

۱۱ـ احیاء بازار وصنایع ملی

۱۲ـ تأمین‌کامل معیشت، مسکن وتحصیلات‌کارمندان جزء دولتی ودوایر خصوصی و...لغو تمام دیون آنها به‌مراجع دولتی و بانك‌های استعماری.

۱۳ـ تحریم سیاسی و اقتصادی دولت‌های نژادپرست و... حمایت ازجنبش‌های آزادیبخش.

۱۴ـ خروج از همه‌ی پیمان‌های آشکار و پنهان ننگین استعماری.

۱۵ـ استمرار ومداومت دربسیج توده‌های مردم.

(مجاهد، ۲۵فروردین)

استاندار اصفهان:

رادیوتلویزیون‌اصفهان‌درجهت خلاف مسیرانقلاب گام برمی‌دارد

فضای رادیوتلویزیون مرکز اصفهان آنچنان که بایدپاك نیست ولزوم تصفیه انقلابی دراین مرکز شدیداً احساس می‌شود. افرادی که باید تصفیه میشدند، هنوز به‌فعالیت‌های مخرب‌خود ادامه می‌دهند وکاربجائی رسیده که عناصری از رژیم گذشته و همینطور سرسپردگان ناجی فرماندار نظامی‌معدوم اصفهان دراین مرکز نفوذ دارند. استاندار اصفهان دردنباله سخنان خود افزود بخصوص درشرایط حساس فعلی کهمملکت بیش‌از هرچیز به‌وحدت وامنیت احتیاج دارد ورژیم سرسپرده بعث‌عراق دردنبال دشمنی های خود باانقلاب اسلامی ما درمرزهایمان خراب کاری می‌کند. ونیروهایمان مشغول جنگ بااین مزدور امریکا هستند، این‌مرکز با تحریف اخبار، برخوردهای مرزی وانتشار خبرهای ضد انقلابی دقیقاً درجهتی خلاف مسیر انقلاب گام برمیدارد.

(آزادگان، ۲۵ فروردین)

درمطبوعات کشور

دوستان و دشمنان انقلاب ما چه کسانی هستند

کاظم سامی:

درمورد انقلاب ایران باید گفت‌که انقلابی است مکتبی با تکیه به مکتب اسلام وجهان‌بینی توحیدی‌ونیز ایدئولوژی‌مشخصی که ذاتاً ضدامپریالیستی‌است. بنابراین اگراین‌مقوله را بعنوان تعریف بپذیریم واصل قراردهیم انقلاب ما به جهت مکتبی‌بودن و نیزداشتن ماهیت ضدامپریالیستی‌ذاتاً ضدسرمایه‌داری است. بنابر این‌همه‌ی‌کسانی‌که پس‌ازپیروزی انقلاب ازنهادهای‌سرمایه‌داری دفاع میکنند ویا درجهت حفظ روابط ونظام اقتصادی وابسته و سرمایه‌داری میکوشند، ضدانقلاب هستند و میتوان‌آنها را چه در داخل‌وچه درخارج ازکشور دشمن انقلاب تلقی‌کرد. به بیان‌دیگر همه‌ی‌کسانی‌که ازسیستم سرمایه‌داری(سرمایه‌داری بعنوان یك سیستم، مشخصات اجتماعی ـ اقتصادی ـ سیاسی‌وفرهنگی ـ خاص‌خود را دارد) دانسته یا ندانسته جانبداری میکنند دوستان انقلاب ایران نیستند.

استادرضا اصفهانی:

بطورکلی دربی‌تحقق هر انقلابی با توجه به محتوای آن افراد ذینفع به حمایت ازآن برمیخیزند وکسانیکه مصالح خودرا درخطرمی‌بینند درصفوف دشمنان انقلاب قرارمیگیرند.

انقلاب ایران به این دلیل‌که اسلامی است واسلام برحفظ مصالح مادی ومعنوی همه‌ی مستضعفین مبتنی‌است. لاجرم نخستین حامیان آن مستضعفین خواهند بودکه ازجهات‌گونه‌گون اقتصادی سیاسی‌وفرهنگی تحت ستم قرارداشته‌اند. وهرکجاکه استضعاف و تجاوز وجود داشته‌باشد اقلیت تجاوزگری هم هست‌که با پاگرفتن زحمتکشان مصالح خود را درخطرمی‌بینند. ناگزیر این عده بسا انقلاب زحمتکشان به دشمنی‌می‌پردازند.

دریك تعریف عمده میتوان‌گفت: سرمایه‌دارانی‌که با تکیه بر شرایط نامطلوب اقتصادی گذشته تا حدامکان جیبهای خود را پر کرده‌اند، فئودالیسمی‌که زالووارخون زحمتکشان را می‌مکد و با بهره‌کشی بر پای خود می‌ایستد، و حواشی اینها یعنی بسادهجان دورقاب‌چین‌ها، متملقین، فرصت‌طلبان ومرتجعین، جملگی دشمنان انقلاب ایران هستند.

درمورد مرتجع لازم به توضیح است‌که ارتجاعی‌بودن در تیپ یا لباس‌خاصی‌نیست، بلکه هرکسی‌که برخلاف مسیرتکامل‌فکر میکند، مرتجع است.

مرتجع بدلیل عدم‌بینش که دارد نمیتواند انقلاب را بکشد، لاجرم مانند خفاش که از نور بیزار است از انقلاب دوری می‌گزیند.

محمود اعتماد زاده (به‌آذین):

ورودانقلابی توده های میلیونی مستضعف به‌صحنه سیاست‌و وعده های مشخص اقتصادی وسیاسی‌که با استناد به‌آیات واحادیث درباره تامین حداقل‌رفاه مادی وشرکت شان دراداره‌امور ازطریق شوراها به‌آنان داده شد، نمی‌توانست بعد تازه‌ای به‌انقلاب ایران ندهد وآنرا ازچارچوب محدودانقلاب بورژوا لیبرال، که تنها به قالب ها وظواهر دموکراسی و استقلال سوری حکومتی دربرابر امپریالیسم درعین همکاری‌باآن بسنده می‌کند، بیرون نکشد. چنین بودکه انقلاب ایران، به رغم‌کسانی‌که می‌خواستندآنرا درمرحلهٔ دلخواه قدرت شخصی وبرتری طبقاتی خود متوقف‌کنند، به صورت یك‌انقلاب پویا، انقلاب‌گسترش یابنده وعمیق شونده درآمد.

این انقلاب باید به خواستهای‌اقتصادی، اجتماعی وسیاسی توده های مستضعف پاسخ مثبت بدهد واز طریق استقرار یك دموکراسی عام واصیل‌آنان‌را در تعیین سرنوشت جامعه وکشور شریك سازد وبه دست خودآنان واز راه مبارزهٔ مستقل اجتماعی‌و سیاسی خودآنان‌نابرابریهای سیاسی‌وامتیازات طبقاتی‌را ریشه‌کن سازد وبا اتخاذ تدابیر سنجیده مقدمات محواستثمار فرد ازفرد را فراهم آورد.

پس‌امروزبایدانقلاب‌ایران‌را باچنین ویژگی هائی درنظر گرفت و دوستان و دشمنان آن را در درون و بیرون مرزهای کشور شناخت.

درداخل‌کشور، دوستان چنین انقلابی همه قشرها وطبقات زحمتکش ومحروم وهمه سازمانهای سیاسی اصیل برخاسته‌ازدرون توده کارگر و دهقان و روشنفکر خدمتگزار زحمتکشان می‌باشند. دشمنان انقلاب نیزهمه قشرهائی هستندکه قصدتوقف انقلاب یاحتی بازگشت به‌نظام‌های‌گذشته را دارند، خواستارامتیازطبقاتی به‌سود خود وادامه استثمار ودوام ستم ملی می‌باشند.

درخارج نیزدوستان‌انقلاب، همهٔ‌کشورها، نیروها، سازمانها وجنبش‌هائی هستندکه برای‌آزادی ورهائی توده‌ها و ملت‌ها پیکار می‌کنند و با سلطه امپریالیسم و غارتگری سرمایه انحصاری در جنگ‌اند. در این زمینه‌به‌صراحت‌می‌توان‌گفت‌که‌کشورهای اردوگاه سوسیالیسم، کشورهای غیرمتعهد، جنبش‌های اصیل‌کارگری جهان و جنبش‌های رهائی‌بخش ملی به‌سبب مبارزه‌مشترکی‌که به‌اتفاق‌آنها برضدامپریالیسم وسرمایه انحصاری داریم درکنارما قراردارند و ما طبعاً باآنهامتحدیم. هرجاکه این اتحادواین همبستگی‌وهمیاری خدشه‌دار شود، ما درمبارزه خود برضدامپریالیسم وارتجاع، دست کم قدمی به‌عقب نشسته‌ایم وانقلاب ما، به‌هر حال، لطمه دیده است وضعیف‌گشته است.

(اطلاعات، ۲۴ فروردین)

(آزادگان، ۲۴فروردین)

اصل قانون اساسی را درمورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید

المپیك از یونان باستان تا مسکو

المپیك: مظهری از صلح و دوستی بین ملتها...

کشورهای جهان، برغم تلاشهای امپریالیسم آمریکا، روزهای تدارك برای شرکت درالمپیادمسکورا میگذرانند. هزاران ورزشکار، مربی، خبرنگار و مهمان خود را آماده می‌کنند تاالمپیك ۸۰ را در کشور کارگران و دهقانان، درمهد سوسیالیسم بگذرانند.

المپیك نوین امروز، مظهری ازصلح ودوستی بین ملتهاست، همان مفهومی که براساس یك افسانهٔ قدیمی یونانی وجودداشت: پایان اسارت انسانها واعلام‌آزادی و برابری توسط «هرکول» در یونان.

آنچه می‌خوانید، گزارشی از المپیك است، ازآغاز تاامروز.

افسانهٔ المپیك باستان

تاریخ یونان باستان سرشاراز «افسانه» است. افسانهٔ خدایان، خدایانی‌که هریك مظهر قدرت بودند، چون‌آپولو-خدای روشنائی، موسیقی وشعر، آفرودیت-خدای زیبائی وعشق، اروس - مظهر دوست داشتن، هفستوس- مظهر کاروخلاقیت وبسیاری دیگر.

اما پرقدرترین این خدایان «زئوس»- خدای خدایان بود. او بابدیها می‌رزمید ومظهر خوبیها بود.

مردم یونان باستان، بااعتقاد به این خدایان، به‌مناسبتهای‌مختلف درجشنهای مذهبی شرکت می - کردند ودر رشته های مختلفی چون شعر، رقص وآواز وورزش به رقابت می‌پرداختند وخدایان‌را ستایش میکردند.

امادرروزگاران کهن حکمرانان محلی، باالهام ازخدای بدیها، به حکومت رسیدند وعرصه زندگی‌را برمردم تنگ کردند. روزبروزبر قدرت این حکمرانان افزوده شد، تااینکه یکی ازآنها بنام «اوجین» بردیگران تسلط‌یافت وبروسعت ظلمها وبیدادگریهایش افزود. در این هنگام زئوس به‌خشم آمد و تصمیم گرفت باخلق یك قهرمان به بیدادگریهای «اوجین» خاتمه دهد. این قهرمان، «هرکول» نام داشت‌که دریك خانواده سلطنتی بدنیا آمده بود هرکول هنگامی که بسن جوانی رسید، از همه بلندتر، قویتر وسریعتر بود ودر هنرهای روز نیز چون شعر، موسیقی وورزش سرآمد همه‌بود.

اوجین، که ازآوازهٔ بلند هرکول به‌وحشت افتاده بود، اورا بانیرنگ اسیرساخت ووادار به تمیز کردن اصطبلهایش کرد. اوجین به‌او قول داد که اگر یك روزه اینکاررا انجام دهد، آزادی، رفاه وبرابری راجایگزین ظلم وستم خواهد کرد. هرکول به‌یاری زئوس از عهدهٔ این کار برآمد. ولی اوجین بعهد خودوفا نکرد.

هرکول باپشتیبانی مردم علیه اوجین شورید وبساط حکومتش را درهم پیچید. پس از آن، برای بزرگداشت ویادبود آن پیروزی، بازیهای المپیك باستان بصورت جشنواره‌ای یکروزه، درکوهپایه‌های آلپ، برمخروبه های قصر حکمروانی اوجین برگزارشد.

این افسانه‌ای است‌که دربارهٔ المپیك باستان نوشته شده‌است. امابنا برنوشتهٔ مورخان، یونانیها ازحدود ۱۱۰۰ سال پیش ازمیلاد مسیح، مسابقات مختلفی را در جشنهای خود برگزار می کردند. المپیك باستان هم یکی از این جشنها بوده است که رفته رفته وسعت گرفته وبااهمیت‌ترین آنها شده است. المپیك از ۷۷۶ سال پیش ازمیلاد مسیح، بصورت یك سلسله مسابقات قهرمانی‌سالیانه وسپس چهارساله برگزار شده است. (این تاریخ بعنوان اولین سال برگزاری المپیك پذیرفته شده است).

جشن المپیك ابتدا دریك روز برگزار میشد وشامل یك مسابقهٔ دوسرعت بود، ولی باافزایش‌اهمیت این جشن، مدت مسابقات به‌هفت روز افزایش یافت (دوروز آن‌به مراسم مذهبی اختصاص داشت) وچهارمادهٔ ورزشی نیزبه‌آن اضافه شد. باید اضافه کرد که در مسابقات المپیك باستان، رقابت و نمایشهای هنری چون شعرخوانی، رقص وآواز وطراحی نیزبه اجرا گذاشته میشد.

المپیك باستان بامسابقات «دو» پایه‌گذاری شد، ورزشی‌که درحال حاضرهم ازپرطرفدارترین وبا - ارزشترین‌رشته‌های ورزشی‌المپیك است.

ازمقررات المپیك باستان یکی این بودکه، شرکت کنندگان و تماشاگران باید آزاد زادگان یونانی‌الاصل ویاتبعه کشور های یونانی بوده باشند. ودیگر اینکه، زنان نه‌تنها حق شرکت در این بازیهارا نداشتند، بلکه ازتماشای آن نیز محروم بودند واگر زمانی مخفیانه مبادرت به‌تماشای‌مسابقات میکردند، تنبیه میشدند.

پس ازتسلط رومیها بریونان، المپیك ارزش سابق خود را از دست داد. یکی از علل کاهش ارزش آن، تبدیل میدان مسابقات به صحنه جنگ بین اسیران با یکدیگر ویاباحیوانات بود.

نکتهٔ دیگری‌که اندیشه المپیك راتحلیل برد، اعتقادات خرافی بودکه‌توسط مروجین‌اولیهٔ‌مسیحیت رواج داده میشد. آنها می‌گفتند که جسم انسانی زندان روح‌است. پس باید تاحد مرگ جسم را ریاضت داد، تاروح آزاد شود. این برخلاف آرمانهای المپیك‌بود که پرورش توام تن وروان را پشتیبانی می‌کرد.

سرانجام المپیك، که روبه‌افول می‌رفت، درسال ۳۹۴ مسیحی، پس ازانجام ۳۲۰ دوره مسابقه،بدستور یکی از پادشاهان رومی بنام «تئودوزیوس» متوقف شد. از آن سال ببعد، رفته رفته تاسیسات ورزشی المپیك نیز ویرانه شد و سرانجام درقرن پنجم میلادی، براثر زمین لرزه، سیل وطوفان، درزیر خاك مدفون گشت.

زنان یونان باستان حتی حق تماشای المپیك را هم نداشتند

المپیك نوین

درقرن نوزدهم (بین‌سالهای ۱۸۷۵ تا ۱۸۸۱) باحفاریهائی که دردامنه‌های آلپ‌انجام‌گرفت قسمت اعظم‌مجموعه‌المپیك‌باستان کشف شد. این اکتشافات نظر متفکران‌را به خاطرات المپیك یونان‌باستان جلب کرد

این خاطرات وبه همراه‌آن گرایش همگانی‌به‌ورزش، که در قرن نوزدهم اروپا و آمریکا را فراگرفته بود، زمینه مناسبی برای ایجاد المپیك باستانی بمقیاس جهانی بود، که به فکر محقق فرانسوی «بارون پی‌یر دوکوبرتن» بنیان گذار المپیك نوین خطورکرد.

کوبرتن رویای برگزاری بازیهای المپیك رادرفکر خود پروراند وطرحی رابنانهاد که درآن تمام‌ملتها، جدا ازمسائل نژادی، مرام ومسلکهای‌سیاسی، اعتقادات مذهبی واختلافات‌ملی، در زیر پرچم المپیك‌قرار می‌گرفتند. پی‌یردوکوبرتن‌سرانجام باتلاش فراوان، درسال ۱۸۹۴ باتشکیل یك جلسهٔ بین‌المللی در دانشگاه سوربن پاریس‌اولین گام را برای ایجادالمپیك نوین برداشت ودوسال‌بعد، اولین‌دوره بازیهای المپیك نوین در آتن پایتخت یونان، برگزارشد.

نکاتی چند درباره المپیك

در سال ۱۸۹۴، پس از اجلاس بین‌المللی سوربن، «کوبرتن» کمیته بین‌المللی‌المپیك را تشکیل دادکه مهمترین‌مرجع تصمیم‌گیری بازیهای‌المپیك‌است

در اولین دورهٔ بازیهای المپیك مدرن، فقط۴۸۵ شرکت کننده‌مردبرقابت پرداختند. اما تعداد شرکت‌کنندگان دربازیهای بعدی روبه‌افزایش‌نهاد درالمپیك ۱۹۶۸ مکزیکو ۵۲۱۵ شرکت کنندهٔ مرد و ۸۴۴ شرکت‌کنندهٔ زن به رقابت پرداختند.

ازدیگرنکته‌های قابل‌توجه این است که کمیتهٔ بین‌المللی المپیك، برگزاری بازیها را به شهرواگذار میکند نه بکشور.

اولین زن در سال ۱۹۰۰ در رشتهٔ تنیس وگلف در المپیك شرکت‌کرد ودر بازیهای ۱۹۱۲ برای اولین‌بار زنان دررشته‌های شنا و دوومیدانی به رقابت پرداختند.

در سال ۱۹۲۴ بازیهای المپیك زمستانی‌نیز پایه‌گذاری شد،که اولین دورهٔ آن درشهر «شامونیکس» فرانسه‌ترتیب داده شد.

دربازیهای‌المپیك تابستانی لوس‌آنجلس برای‌اولین‌بارمحلی به‌نام دهکدهٔ المپیك برای‌اقامت ورزشکاران ساخته شد.

در سال ۱۹۳۶ هیتلر از بازیهای المپیك برلین برای نمایش نازیسم وتبلیغ آن نهایت استفاده راکرد.

مسابقات المپیك نوین در طول تاریخ خود سه‌بار درطی دو جنگ‌بزرگ‌جهانی برگزارنشد. یکدوره در سال ۱۹۱۶ درجنگ جهانی اول و دودوره در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ درجریان‌جنگ جهانی دوم.

مراسم گشایش و اختتام بازیهای المپیك وهدف ازشرکت در آن

ازدیدنی‌ترین‌وباشکوهترین لحظات المپیك، مراسم افتتاح‌و اختتام بازیها است، که جلوهٔ خاصی دارد.

مراسم افتتاح درورزشگاه بزرگ واصلی المپیك، با حضور دهها هزار تماشاگر وشرکت‌کلیه ورزشکاران باپرچم ملی خود، با جملات معروف «بارون پی‌یر دوکو برتن»، بانی‌المپیك‌مدرن، آغازمی‌شود:

«مسئله مهم در بازیهای المپیك پیروزی نیست، بلکه شرکت کردن درآن است. نکته اساسی درزندگی فتح کردن‌نیست، بلکه خوب‌مبارزه کردن است.»

پس‌از آن، هنگامی که‌رهبر کشوربرگزارکننده ورئیس‌کمیته بین‌المللی المپیك درجایگاه مخصوص قرار گرفتند، کلمات یونانی زیردر ورزشگاه طنین می‌افکند:

«سیتوس»، «آلیتسوس»، «فاریتوس» (سریعتر، بالاتر، قویتر)

پس‌از آن،رژه‌تیمهای‌شرکت کننده انجام میشود. پس‌ازرژه، بازیها توسط رهبرکشوربرگزار کنندهٔ مسابقات گشایش‌می‌یابد.

بااعلام‌گشایش‌بازیها، پرچم المپیك دربالاترین نقطه‌استادیوم به اهتزاز درمی‌آید و هزاران کبوتر سفیدبه‌نشانهٔ صلح،برابری وبرادری،درفضای ورزشگاه‌آزاد میشوند وسه‌گلولهٔ توپ به نشان احترام شلیك می‌شود.

مشعل بزرگ بازی های المپیك، توسط ورزشکار بزرگ برگزیده‌ازسوی کشورمیهماندار برافروخته می‌شود وباروشن‌شدن مشعل المپیك، یکی‌ازورزشکاران کشور میزبان، سوگند المپیك رامیخواند:

«بنام‌کلیه‌شرکت‌کنندگان دربازیهای المپیك، سوگند یادمی‌کنم‌که‌به مقررات‌اجرائی بازیها احترام گذاریم‌وازآنها اطاعت‌کنیم، با روحیهٔ پاك ورزشی وشرافتمندانه، بخاطر پیروزی ورزش و افتخار تیمهایمان، درمسابقات‌شرکت کنیم.»

مراسم اختتام نیزشکوه و زیبائی خاص خودرا دارد، اما بسیارکوتاهتر است. پس از رژهٔ تیمها، نام‌کشوری‌که دردورهٔ بعد میزبان خواهد بود، اعلام‌میشود پرچم المپیك پائین آورده‌میشود ومشعل المپیك به‌مدت چهارسال تادورهٔ بعدی خاموش می‌شود.

آرم المپیك مسکو

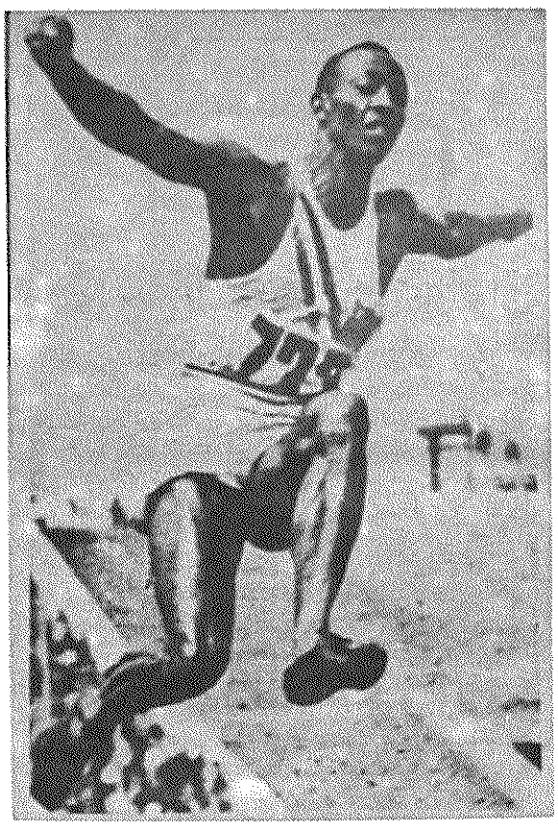

جسی‌اوونس، قهرمان‌سیاهپوست آمریکائی‌که باکسب ۴مدال طلا در المپیك ۱۹۳۶ خشم «هیتلر» را برانگیخت، بطوریکه «هیتلر» حاضر نشد او را چون دیگر ورزشکاران بحضور بپذیرد و مدالهایش را بدهد

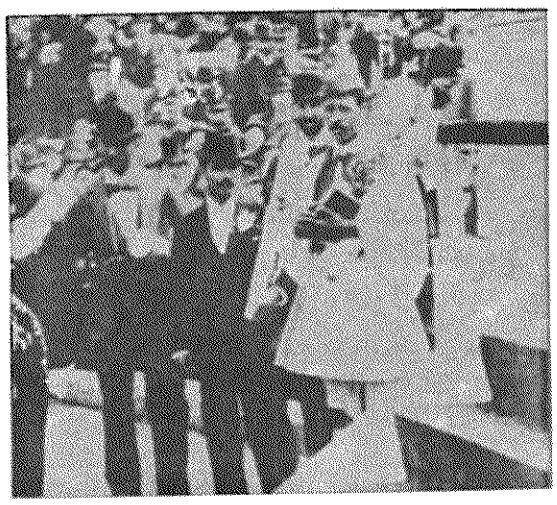

۳ دونده ماراتون در المپیك‌آتن-بطوریکه مشاهده میشود درآن‌بازیها، هرکس‌با هرنوع لباسی می‌توانست درمسابقات شرکت‌کند

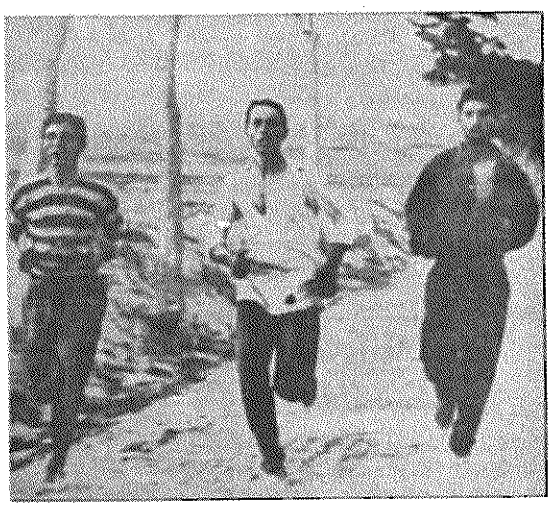

اسپریدن لوئیس، اولین برنده دوماراتن‌درالمپیك‌های‌نوین

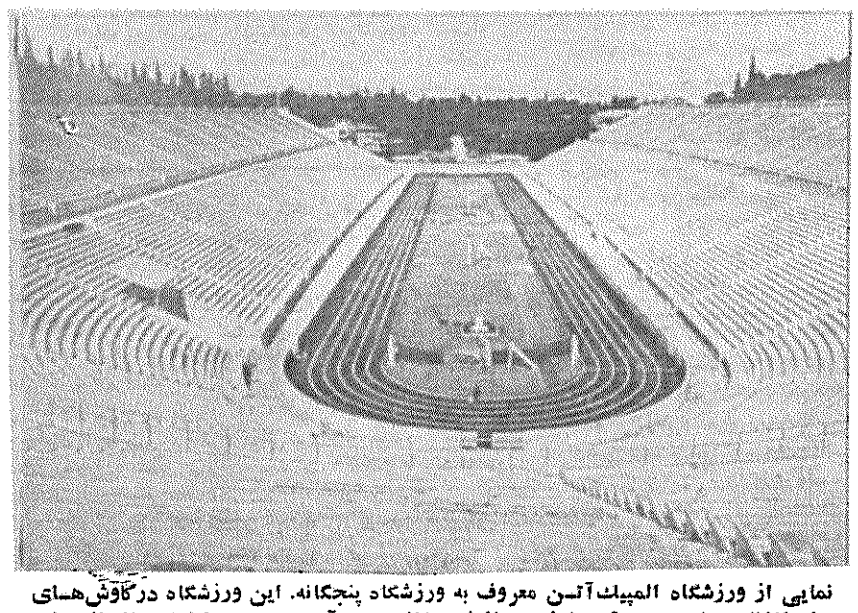

نمایی از ورزشگاه المپیك‌آتن معروف به ورزشگاه پنجگانه. این ورزشگاه درکاوش‌های باستانشناسی نیمه دوم قرن نوزدهم از زیر خاك بیرون‌آمد و بصورت‌کنونی بازسازی شد

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسنادحزبی(اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در نامهٔ«مردم»ارگان‌مرکزی حزب تودهٔ ایران‌را، با استفاده ازتمام‌امکانات، به‌وسیع‌ترین‌شکل تکثیر کنیدوبه‌توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس‌کنونی این یك وظیفه مبرم انقلابی است.

نام نویسی در حزب تودهٔ ایران

کارگران وزحمتکشان هوادار حزب تودهٔ ایران که مایلند درحزب ثبت‌نام‌کنند، ولی درایام هفته فرصت‌اینکار را ندارند، می‌توانندروزهای جمعه ازساعت ۹تا۱۱صبح و از ۲تا۵ بعدازظهر به‌دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع‌غربی‌دانشگاه‌تهران، مراجعه‌کنند، در شهرستانهانیز دفاتر حزب‌تودهٔ ایران برای نام نویسی آماده است.

متقاضیان هنگام ثبت‌نام حتماً شناسنامهٔ خود را همراه داشته باشند.

برقرارباد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیك‌ایران در جبهه متحد خلق

www.iran-archive.com

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

حل فوری و بنیادی مسئله بیکاری زمینه تحریک و اخلال را از ضدانقلاب می گیرد

بدنبال راه‌پیمائی‌هائی که درروزهای اخیر ازسوی بیکاران در ده منطقه تهران، بطورهم‌زمان انجام شده ودر مواردی به خشونت‌گرائیده، دفتر اطلاعات وانتشارات وروابط عمومی وزارت‌کاروامورا‌جتماعی، اطلاعیه‌ای صادرکرده وبا تأکید براینکه «دولت جمهوری اسلامی ایران صمیمانه و صادقانه درپی‌حل‌مشکل بیکاری‌است» ازکارگران خواسته است تا اجازه ندهند «معدودی‌شناخته شده، دربین آنان نفوذ یافته... و در لباس کارگر بیکار خدشه به نهادهای انقلاب وارد سازند.»

دراینکه مسئله بیکاری زمینه باروری‌برای فعالیت ضدانقلاب است، تردید نیست وماهمیشه به دولت هشدار داده‌ایم و از مقامات مسئول خواسته‌ایم تابا جلوگیری ازاخراج کارگران، با ایجاد اشتغال و جذب بیکاران، این زمین حاصلخیز را ازچنگ ضدانقلاب بگیرند.

اما تحریک ضدانقلاب درمیان بیکاران‌فقط یك روی سکه‌است وروی دیگر آن واقعیت موحش وملموسی‌است‌که دربرابر دیدگان عموم قراردارد وآن وجود ارتشی از بیکاران است. بیش از ۲/۵–۴ میلیون نفر از هموطنان ما بیکارند ویاخود را با مشاغل‌کاذبی نظیرماشین‌شوئی‌وفروش بادکنك وآدامس‌وکبریت‌وسیگار وروزنامه لاعلاج سرگرم‌کرده‌اند، تا ممرمعاشی داشته‌باشند، وهنوز دردومین‌سال انقلاب نه تنها دورنمای قابل‌قبولی برای جذب بیکاران‌درافق پدیدار نیست، بلکه سرمایه‌داری وابسته که عضوی ازپیکرامپریالیسم است، درهمپیوندی با آن وکمك به توطئه‌های‌آن علیه انقلاب ما، به اخراج فردی وگروهی‌کارگران باشدت‌بیشتری ادامه میدهد، تا زمینه نارضایتی را درمیان زحمتکشان‌گسترش‌دهد وتیررا به هدف‌بنشاند.

درك علل‌مشارکت سرمایه‌داران وابسته در این توطئه امپریالیستی بغرنج نیست. این سودجویان حریص هنوز پذیرای واقعیت‌انقلاب ایران نیستند. آنها درطلب همان سودهای‌باد‌آورده‌ای هستند که اشك چشم و عرق‌جبین زحمتکشان بود. آنها هنوز نمی‌خواهند باور کنندکه آن دوران سپری شده و به پایمردی مردم بازگشتنی‌نیست. نامه‌های‌شکوائیه‌کارگران اخراجی‌ازکارخانه‌ها وکارگاهها، که هر روز و هرشب در روزنامه‌ها بازتاب دارد، نمودار آن تب‌وتابی‌است‌که سرمایه‌داران وابسته در انجام توطئه علیه انقلاب وبازگرداندن گذشته ازخود نشان‌میدهند.

بهانه‌های‌اخراج کارگران متنوع‌وگوناگون است: پرده‌دری کارگران از فساد مدیریت، اعتراض‌آنها به اقدامات غیرقانونی، شرکت کارگران‌درتظاهرات، اتهاماتی‌نظیر «اخلالگری» و «تحریك»، اعتراض به تقسیم سودویژه، دفاع ازحقوق‌کارگران و غیره...

ازآنجاکه «حق‌اخراج» منحصراً دردست کارفرماست وماده ۳۳ قانون‌کار دوران طاغوت، این «حق» را برای وی شناخته‌است، کارفرما بدون بیم ازپیامدهای اخراج، یا ازکارگران خارجی مقیم کشور، نظیر کارگران افغانی و پاکستانی برای جانشین ساختن اخراجی‌ها استفاده میکند، ویا ازارتش‌موجود بیکاران، که بعلت ادامه بیکاری و دشواریهای ناشی از آن، حاضرند تحت هرشرایط وبا هر دستمزدی بکار مشغول شوند، تاآب باریکی برای امرارمعاش داشته باشند.

کارفرمایان توطئه‌گر تنها به‌اخراج فردی کارگران‌قانع نیستند. آنها با توسل به‌بهانه‌های عدیده، تمام‌کارخانه و یا بخشی ازآنرا تعطیل میکنندوکارگران‌رادستجمعی‌به‌خیابانهامی‌ریزند.

ازبهانه‌های متداول، نبودن مواد اولیه و قطعات یدکی است. تردید نیست که‌کمبود مواد اولیه و ابزار یدکی وجود دارد و ما بارها نوشته‌ایم‌که دولت وظیفه داردبا تهیه مواداولیه از هرکشوری‌که خواستار مناسبات بازرگانی برابرحقوق با ماست، این مشکل صنایع ایران راحل‌کند. اماماتاسفانه باتعلل وتسامح‌مسئولان، این مشکل همچنان برجای مانده‌است واکنون صنایع ایران در اکثریت خود با ظرفیت کامل کار نمی‌کنند. در عین حال دیده شده است‌که نبودن مواد اولیه، کراراً بهانه‌ای در دست کارفرمایان بوده وآنها علیرغم‌داشتن‌مواداولیه، آنرا در انبارهای خود احتکارکرده و به‌بهانه فقدان‌آن، کارخانه راتعطیل‌کرده‌اند. ازنامه‌های شکوائیه‌کارگران چنین برمی‌آیدکه درمواردی کارفرمایان نه تنها به‌فروش مواد اولیه‌موردنیاز کارخانه خود اقدام کرده‌اند، بلکه حتی ماشین آلات‌کارخانه را فروخته و کارگران را بیکار کرده‌اند.

موج‌های‌پی‌درپی‌بیکاری، که‌برسرزحمتکشان فرود میآید، از خطرهای جدی است‌که انقلاب ما را تهدید میکند.

شم‌طبقاتی‌زحمتکشان‌وشوروشوق‌انقلابی‌شان بجای خود، که شایسته هزاران تحسین وآفرین است. اما شکم زن و فرزند را نمی‌توان پیوسته گرسنه دید و دم نزد، پیکرهای نیمه عریان را نمی‌توان همیشه در برابر چشم داشت و صبر انقلابی را حفظ‌کرد.

انقلاب ما انقلاب محرومان جامعه‌است و زحمتکشان، که‌نقش‌اساسی‌درپیروزی‌آن‌داشته‌اند، حق‌دارندانجام‌خواستهای‌مشروع‌سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را متوقع باشند.

تردید نیست‌که خیانت‌هـای‌رژیم پیشین‌به منافع طبقات محروم، بار سنگینی از مسئولیت بردوش انقلاب نهاده است، که امروز و فردا انجام‌شدنی وپایان یافتنی نیست. ولی‌گره‌کاردر آنجاست‌که هنوز هیچ‌اقدام بنیادی برای انجام این مسئولیت سنگین وایجاد دورنمائی دلپذیر برای حل‌این مشکل اساسی پدیدنیامده‌است.

وزارت‌کار دراطلاعیه خود بر «طرحهای تعاونی اشتغال»، که‌همان‌طرح اشتغال‌دیپلمه‌های بیکار است، بیش‌ازحد تکیه‌کرده است. ما بموقع یادآورشده‌ایم‌که‌این‌طرح‌درتعدیل‌بیکاران‌می‌تواند تاحدودی موثرباشد، اماعلاج بنیادی دردنیست. انجام «طرحهای نیمه‌تمام» نیزمی‌تواند برای چندده‌هزار بیکار، اشتغال تأمین کند، اما این اقدام‌هم چاره قطعی بیکاری نیست.

چاره‌قطعی‌بیکاری اجرای برنامه‌های‌مدون صنعتی، کشاورزی و عمرانی در درازمدت و کوتاه‌مدت است، که‌میتواند بیکاری را بطور نهائی ریشه‌کن سازد. این برنامه‌ها باید دست سرمایه‌داران‌وابسته‌را، که‌دست ناپاك‌امپریالیسم غارتگر است، از صنایع‌کشور ما کوتاه‌کند، چرخهای صنایع ملی شده را بحرکت وادارد، تاتولیدات صنعتی جوابگوی نیازهای داخلی باشد، زمین‌را بدست دهقانان زحمتکش بسپارد و باگردآوردن تکه زمین‌های پراکنده دهقانی درشرکتهای تعاونی تولید و واگذاری اعتبارو بذر وکود وماشین به‌این شرکتها وتأمین‌مازاد برای آنها، هم‌صدها هزاردهقان رانده شده‌از زمین‌را بکار خلاق پسربسازده وادارد وهم‌مواد خام واولیه صنایع ایران را در داخل تأمین کند، تاهراخم‌کارتر وتاچر، صنایع‌مارا به‌تعطیل نکشاند.

در کنار این‌گامهای اساسی، وزارت کار موظف است برای ممانعت ازسرریزکردن سیل بیکاران، اولا ماده ۳۳ قانون‌کار را ملغی اعلام کند، تادست‌کارفرمایان دراخراج کارگران بسته شود. تاتدوین قانون جدید کار، که باید حق اخراج کارگر را ازکارفرما بگیرد، مسئله‌اخراج کارگران باید به‌کمیسیون متشکل از نماینده دولت، کارفرما و کارگر محول شود و درصورت رأی مثبت این کمیسیون، برای کارگر شغل دیگری درنظرگرفته شود. ثانیاً وزارت‌کار باید طی تصویبنامه‌ای تعطیل‌کارخانه‌ها وکارگاهها را ممنوع اعلام‌کند، تاسرمایه‌داران وابسته‌نتوانند درهمدستی باارباب، امنیت شغلی کارگران را مورد تهدید قرار دهند، آنها را به‌خیابانها بریزند وبردامنه بیکاران بیفزایند.

اخبار کارگری

بجای حق السکوت، برای کارگران بیکار کار فراهم کنید

استانداری تهران در اسفندماه گذشته بمدت پانزده روز برنامه‌ای بنام «درختکاری» ترتیب داد، تا کمکی به کارگران بیکار شده باشد. البته تامین کار اقدامی است بجا و ضرور، ولی نه یك کاربدون برنامه و نسنجیده.

اگر این‌کار فقط مربوط به درختکاری بود، چندان مهم نبود، ولی پس از یکی دو روز درختکاری بطور ناقص، کارگران وادار به‌جمع‌آوری سنك وآشغال پارکها و پاك‌کردن باغچه ها و گودکردن کنار درختان و تمیز کردن جوی آب شدند.

انتخاب کارگران متخصص و باتجربه این نوع کارها ازنظر روحی برای آنها دشوار است. ازطرف‌دیگر دربرنامه فوق‌الذکر باتمام آن فعالیتها نه‌کار مثبتی انجام گرفت ونه عمل سازنده‌ای. برخی از گروهها فقط چند ساعت در روز کار می کردند. چند گروه دیگر (گروههای ۲۵ تا ۵۰ نفری) بایستی به محله های دوردست فرستاده میشدند ونشدند ولی اسامی آن ها در لیست حقوق ثبت شده بود. برروی هم می‌توان برسوء مدیریت مسئولین اداره کار انگشت گذاشت، زیرا برای اعزام کارگران وسیله‌ای پیش بینی نشده بود وآن‌ها نتوانستند خود را به نقاط موردنظر برسانند. در این میان هیچ تقصیری متوجه کارگران نبوده است.

ضمنا اگر یکی از مسئولان ریگی در کفش می داشت، می‌توانست پول هنگفتی به جیب بزند، چون حساب وکتابی درکار نبود!

باید از مسئولان مملکتی پرسید: آیا پول اضافی داریم که چنین بی‌محابا آنرا پخش کنیم، بدون‌آنکه کاری انجام شده باشد؟ یا اینکه می‌خواهیم باین وسیله به کارگران حق‌السکوت بدهیم؟

اگر هدف عیدی‌دادن وکمك به کارگران بیکاربود، بدون چنین تشریفات ناراحت کننده مبلغی بعنوان وام بلاعوض ویاقابل برگشت‌و بطرز صحیح وبرنامه‌ریزی شده نیز امکان داشت به کارگران پرداخت شود.

نهادهای انقلابی باید حافظ منافع کارگران باشند نه کارفرما!

چندی پیش کارخانه خانه‌سازی ایرداك بدستور کارفرما و به‌بهانه «تصفیه افراد ناصالح» تعطیل شد. واما علت اصلی تعطیل کارخانه: کارگران طی‌اعلامیه‌ای ازکارفرماخواهان‌رسیدگی به‌خواست‌های قانونی خودشدند. این خواست‌ها عبارتند از: پرداخت سودویژه، عیدی، و تصفیه افراد ناصالح وسرسپرده.

درنخستین روز تعطیل کارخانه با توطئه‌کارفرما، دبیرشورای کارخانه دستگیر و روانه زندان شد پس از گذشت دوروز از این واقعه، کارخانه مجددا شروع‌به‌کارکرد. صبح روز بیستم فروردین ۶تن از کارگران به‌اتهام «ضدانقلاب واخلالگر» دستگیر وزندانی شدند. ناگفته نماند که دوتن از دستگیر شدگان عضو شورای کارخانه هستند.

کارگران طی اعلامیه‌ای خواهان رسیدگی فوری به خواستهایشان از جمله آزادی کارگران دستگیر شده هستند.

واین نمونه دیگری است از عملکرد وارونه بعضی از عناصر وابسته به نهاد های پاسدار انقلاب، که در دام کارفرمای‌ضدانقلاب، گاه عملابراهی سوق‌داده میشوند که هدف رانفی می‌کند وگرنه می‌بایستی ازکارفرما بخاطر عدم رعایت حقوق کارگران و پایمال کردن ابتدایی ترین موارد پیش‌بینی شده در قانون کار بازخواست می شد. آیا مسئولین امر یك لحظه به این مساله اندیشیده‌اند که چه کسانی ازاین ندانم کاری ها وایجاد جو ارعاب بسود ضدانقلابیون استثمارگر سود می‌برند؟

در شرایط کنونی ضدانقلاب از اعتصاب سوءاستفاده میکند

چندی پیش تعدادی ازکارگران کارخانه ایران ناسیونال (عمدتاً از سالن سواری سازی شمالی) دست از کار کشیدند. کارگران به‌دنبال دریافت سود ویژه‌سالانه خود، که گویا ابهاماتی درآن‌وجود داشت، دست به‌اینکار زدند. دراین کار عده‌ای ازعناصر چپ‌رو واحتمالا مشکوك دست داشتند، که برخی نارسائی‌های موجود را مستمك‌قراردادند وکارگران را واداربه‌اعتصاب‌کردند. دامنه این اعتصاب به‌شیفت بعدی‌هم‌کشیده شد.

درروز دوم اعتصاب (۵۸/۱۲/۱۲) پس از مذاکراتی که بین کارگران ومسئولان انجام گرفت، اعتصاب کم‌وبیش شکسته شد وکارگران ازروز ۱۳ اسفندکار خود را ازسرگرفتند. صبح همان روزاطاق رنگ (واقع در سالن سواری سازی جنوبی) طعمهٔ حریق‌شد ویکی‌از مأموران آتش‌نشانی درتلاش برای اطفای‌حریق بنام ابراهیم متقی جان‌خود رااز دست داد.

بدنبال این ماجرا وشایعهٔ ارتباط اعتصاب باجریان‌حریق روز ۵۸/۱۲/۱۴ کارگران اطاق رنگ (شیفت A) وکارگران سواری سازی جنوبی (شیفت A) ونیز عده‌ای از کارگران سایر قسمت‌هادرترمینال‌کارخانه اجتماع کردند. کارگران طی‌قطعنامه‌ای خواهان مجازات محرکین اعتصاب ونیز افشای اسامی ساواکیهای رژیم سابق ــ که هنوز درکارخانه کار میکنند ــ شدند. همچنین کارگران نسبت به‌پخش مخفی دونشریه «پیکان» و «صدای ایران ناسیونال» که ازجانب عناصر چپ نما وچپ‌رو انجام می‌گیرد، اعتراض‌کردند. درپایان، مفاد قطعنامه مورد تأئید کارگران قرارگرفت.

کارگران اعتصابی متأسفانه‌ازشیوهٔ اعتصاب، که درشرایط فعلی نادرستی آن اثبات شده، استفاده کردند، دراین زمینه‌باید گفت، اولا این‌کار زمینه‌ای برای پنهان شدن‌خواستهای بحق‌آنها شد. ثانیاً زمینهٔ دودستگی بین‌کارگران فراهم شدکه خوشبختانه بادرایتی که‌کارگران ازخود نشان دادند، این کارتحقق‌نپذیرفت. ثالثاً یك‌سری تضییقات وکنترل‌های غیرلازم (باظاهری موجه) از طرف مسئولان برکارگران اعمال‌شد، که‌نتیجه‌ای جز ناراحتی‌برای کارگران دربرنداشت.

به‌کارگران وکارمندان دانشگاه صنعتی عیدی ندادند

امسال به گروه زیادی از کارگران و کارمندان‌دانشگاه صنعتی تهران عیدی پرداخت نشد. براساس طرحی که مسئولان دانشگاه تصویب کردند، به کارکنانی که حداکثر تا ۲۵۰۰ تومان حقوق می‌گرفتند، هم پاداش و هم عیدی تعلق گرفته‌است. به کارکنانی‌که حقوقشان از ده هزار تومان به بالا بوده، ۷۵۰۰ تومان بعنوان پاداش و عیدی پرداخت شده است، ازجمله به استادان و مهندسان. اما کارکنانی‌که۲۵۰۰ تومان تا ۱۰ هزار تومان حقوق‌میگرفته‌اند(اعم از کارگران، کارمندان وتکنیسین‌ها) به دلایل غیر منطقی از دریافت عیدی محروم شده‌اند. علاوه براین، ازپاداشی هم که به آنها تعلق میگرفته، بدون هیچ‌دلیلی ۱۰درصد کسر کرده‌اند.

دلیل ذکر شده در جواب این سئوال که: چرا تا بحال عیدی پرداخت نشده، اینست که:

از شهریور ماه گذشته به مسئولین دانشگاه ابلاغ شد که دانشگاه باید دولتی شود. مسئولان دانشگاه موضوع ابلاغیه را به هیچیك از کارگران و مستخدمین گروه‌پائین‌اطلاع ندادند. آنها فقط یکماه قبل از نوروز (موقع تصویب پاداش و عیدی و سایر مزایا) به‌کارگران اطلاع دادند که به آنها عیدی تعلق نمیگیرد. کارکنان با تشکیل جلسات عمومی به این موضوع اعتراض کردند. مسئولان در پاسخ اعتراض کارکنان اظهار داشتند که دلیل گرفتن عیدی درسالهای قبلی ملی بودن‌دانشگاه بود. ولی در حال حاضر هنوز مشخص نشده که دانشگاه ملی است یا دولتی. از طرفی مسئولان امر تاکنون هیچگونه اقدامی‌بعمل نیاورده‌اند. کارکنان دانشگاه بعنوان اعتراض درمقابل دفتررئیس دانشگاه اجتماع کردند. رئیس دانشگاه در مقابل کارکنان‌ظاهر شد و گفت استادان با دولتی شدن دانشگاه مخالفند. این مخالفت مستقل از بهانه‌هائی که عنوان میشود، از نظرکارگران دانشگاه به‌این سبب است‌که اگر دانشگاه صنعتی دولتی شود، استادان علاوه براینکه باید طبق ضوابط دولتی‌کارکنند، ازمیزان مزایا و حقوقشان نیز کاسته میشود. کارگران از این بحث نتیجه‌ای نگرفتند، دراواخر اسفند ماه گذشته با صلاحدیدنماینده خود نامه‌ای به‌شورای‌انقلاب‌نوشتند. مضمون نامه این بود که چرا عیدی به آنها تعلق نگرفته است. دراین‌نامه از شورای انقلاب تقاضا شده بود که وضع دولتی یا ملی بودن دانشگاه هرچه‌زودتر مشخص شود. طبق آخرین خبر، هنوز از شورای انقلاب پاسخی نرسیده است. دررابطه باموضوع فوق بایدگفت:

کارکنان دانشگاه صنعتی اصفهان که مربوط به این دانشگاه است برمبنای حقوق ۳۸۰۰ تومان به‌پائین عیدی وپاداش گرفته‌اند.

نکته دیگر اینکه از ۶ ماه‌پیش، که حرف دولتی شدن دانشگاه بمیان آمده، ازمزایا و حقوق کارگران (اضافه‌کار، بن خواربار و سایر مزایا) کاسته شده است. بنابراین حقوق و مزایای آنها برمبنای طرح دولتی پرداخت میشود. ولی هنوز ساعات کار آنها تقلیل نیافته و مجبورند تا ساعت ۵ بعد از ظهر کارکنند.

کارگران دانشگاه صنعتی معمولا به‌کارهای تاسیساتی، باغبانی و نگهبانی وغیره مشغولند.

کارگران و کارمندان انتظار دارند که باپرداخت عیدی و پاداش آنها هرچه زودتر موافقت بعمل آید، تا جلوی هرگونه تبعیض ونابرابری گرفته شود.

کارگران هنوز در محیط کار با خطر جانی روبرو هستند!

روزپنجشنبه۷ فروردین‌ماه جاری، درکوره شماره۴کارخانه پارس‌متال، بجای‌گرافیت، اسید اگزالیك ریخته شد وباعث‌انفجار کوره‌گشت و در نتیجه یك کارگر شدیداً زخمی و در بیمارستان بستری شد.

لازم به‌تذکر است‌که اسید اگزالیك، همراه باکیسه‌های گرافیت، ازشرکت مالیبل خریداری شده است وروی‌کیسه‌ها نوشته شده بود، «گرافیت».

وقتی ازکارخانه پارس‌متال با شرکت مالیبل تماس‌گرفتند، شرکت مالیبل اظهار داشت:

«ما اصلا به‌اسید اگزالیك احتیاج نداریم و لذا اصلا خریداری نکرده‌ایم. اگر درکیسه‌ها اشتباهاً بجای‌گرافیت اسید اگزالیك بوده، دلیل اشتباه درگمرك بوده است!»

ما ازمقامات مسئول قاطعانه میخواهیم‌که عوامل مسئول را هرچه سریع‌تر شناسایی ومجازات‌کنند وبا اقدامات مناسب و لازم ازتکرار این حوادث دلخراش جلوگیری‌کنند.

بجای مجازات کارفرما، کارگران را کتك زدند!

روز۲۲ فروردین یکی از دستگاه های کارگاه موزائیك ــ سازی آسیا (واقع درخیابان‌پنجم تبریز) خراب شد و در نتیجه کارگران بیکار شدند. در پایان روز، کارگران ــ که‌روزمزدکار می‌کنند ــ ازکارفرما مزد خود را طلب می‌کنند. کارفرما به این علت که آنها تمام روز کارنکرده بودند، از پرداخت مزد طفره رفت. بدنبال مشاجره‌ای که بین دو طرف درگرفت، کار فرما با یك ماشین دیزل همراه باعده‌ای از مزدوران چماق‌بدست وارد کارخانه شد و چماق بدستان به ضرب و شتم کارگران پرداختند و پس از آن کارگران بازداشت شدند ودر بازداشت نیز از کتك بی‌نصیب نماندند!

کارگران خواستار آنند که دولت هرچه زودتر به این کار رسیدگی کند و کارفرمای قلدر را به مجازات برساند.

توضیح و تصحیح

در چاپ اطلاعیه شورای کارکنان بانك تهران شعبه قسم، اشتباهی روی داده که بدینوسیله توضیح داده می‌شود: دراطلاعیه مزبورکه درمورد لزوم پاکسازی عناصر ضد انقلابی ازبانك ها بود، به‌جای شورای‌کارکنان‌بانك تهران، نام شورای‌کارگزینی‌بانك تهران درج شده بود بدینوسیله ضمن تصحیح پوزش می‌طلبیم.

تأمین کاربرای کارگران بیکار، یکی ازنخستین وظایف دولت انقلاب است

www.iranarchive.com

رنگین کمان: تاریخ تکذیب میکند!

*** در این فیلم میهن‌دوستی کمونیست‌ها، آزادی مذهب و اتحاد خلقها علیه فاشیسم، با هر مذهب و مسلك، به‌بهترین شکلی بازآفرینی شده است**

وقتی به‌بهای ۲۰ میلیون شهیدو ۴۰ میلیون علیل، خلقهای اتحاد شوروی پوزه فاشیسم را به خاك مالیدند وبرامپریالیسم هار آلمان، که نقشه فتح جهان را داشت، پوزه‌بند زدند، وقتی ارتش شوروی سنگر به سنگر تاقلب برلن پیش رفت وازخون کمونیست‌ها هزاران شقایق روئید، امپریالیست‌ها، که یك‌به‌یك تسلیم یار هارتر خود شده بودند، تبلیغ علیه شوروی را آغاز کردند.

برای آنکه درذهن مردم جهان، که دلاوری بی‌مانند خلقهای شوروی را ازمرزهای‌ایران تاقلب مسکو وازصحرای یخ‌زده سیبری تالنینگراد، چون‌حماسه‌ای شگفت دهان به‌دهان نقل میکردند، تاریخ راوارونه جلوه دهند، برای آنکه جانبازی حماسی کمونیستهارا درراه‌وطن خویش لجن‌پاشی کنند، دستگاههای عریض و طویل امپریالیستی بکار افتادند: باز هم کمونیستهارا بی‌وطن خواندند. باز هم آنان رافاقد احساسات نامیدند. باز هم کوشیدند چهره کمونیستها، این میهن‌دوست‌ترین فرزندان خلقهای‌جهان را در پس پرده‌ای ازدود بپوشانند.

ایران نیز ازیورش این تبلیغات بی‌نصیب نماند. درزمان رضاخان قلدر، بلشویکهارا چکمه پوشان قداره بسته‌ای تبلیغ میکردندکه از سبیلهایشان خون میچکد وهمه‌جا درپی زنان‌هستند تاازآنان هتك حرمت کنند، وقتی بدنبال شکست هیتلر، شر رضاخان قلدرهم ازسر ایران کم شد، باز تبلیغات ادامه یافت وهمه نوکران سرسپرده انگلیس وآمریکا، در همان حال‌که خاك وطن مارا به توبره می‌کشیدند ومنظومه‌ای ازوطن فروشان حرفه‌ای تربیت میکردند، در بوق های تبلیغاتی خود کمونیست هارا بی وطن خواندند.

درتمام طول‌سلطنت ننگین‌شاه مخلوع، بویژه ازکودتای ننگین ۲۸ مرداد‌ببعد، امپریالیستها تاتوانستند از دهان گشاد یاوه بافانی چون محمدرضا، بختیار و دیگر همپالگی‌هایشان، برمزارع اندیشه خلق، علیه کمونیست‌ها سم پاشیدند.

بعداز پیروزی انقلاب باشکوه خلق ایران‌هم، محافل و ایادی امپریالیستها به تبلیغات خود ادامه دادند. اینا ن‌از سمپاشی در زمان شاه مخلوع بهره میگیرند تامیان خلق بنام کمونیست و مسلمان خط فاصل بکشند. فاصله‌ای‌که زادگاه دوباره آمریکای خونخوار باشد. اکنون در شرایط نوین ایران همان محافل همچنان کمونیستها را به بی‌وطنی و دشمنی با مذهب محکوم میکنند.

اما، تاریخ مانند همیشه دروغ راتکذیب میکند! واقعیت ازاعماق تاریکی سربر ـ میکشد. جرقه‌ای ازآن خرمن عظیم، که میهن دوستی کمونیستها نام دارد، شب جمعه گذشته دریك فیلم سینمائی بنام «رنگین کمان» ازتلویزیون به نمایش درآمد.

انتخاب این فیلم بدون دلیل نبود. درخطرناك‌ترین شرایط، که امپریالیسم هار آمریکا آماده یورش به وطن‌بزرگ ماایران است، باید توده‌هارا بسیج کرد. بخشی ازاین بسیج بعهده هنر است. هنری‌که ازجانبازی توده‌ها درراه وطن سخن میگوید. آن وطنی که از آن زحمتکشان است، خون کارگران و دهقانان هم ازآن پاسداری می‌کند. وطنی که خلق‌درراه‌آن باهمه‌هستی‌خودمی‌رزمد. یکی ازاین خلق‌ها درخاك شوروی‌می‌زید: زادگاه‌اولین دولت سوسیالیستی، نخستین حکومت کارگری ـ دهقانی جهان.

فیلم رنگین‌کمان که براساس رمان معروف «واندا واسیلوسکایا»، که‌بفارسی هم ترجمه شده، تهیه شده‌است، یکی ازمیلیونها حماسه خلق‌های شوروی را بازمی‌آفریند. علیرغم قیچی سانسور، که متاسفانه صحنه‌های بسیاری را حذف کرده وسانسور دوبله، که بسیاری از مفاهیم را تغییر داده است، رنگین‌کمان، بازهم‌سرشار ازلحظه‌های حماسی ولبریز از واقعیاتی است که در کشور کارگران و دهقانان گذشته.

ماجرای فیلم دریکی از روستا های شوروی میگذرد. فاشیست‌ها دهکده را تسخیر کرده‌اند. مردان همراه اغلب زنان وجوانان به جنگلها و کوهها رفته‌اند وهمراه کمونیستها علیه دشمن می‌جنگند. درروستا پیرزنان، پیرمردان و گروهی از زنان جوان و کودکان مانده‌اند. یك مرد ویك زن ترسوبخدمت آلمانها درآمده‌اند. زن، معشوق فرمانده فاشیست‌هاست ومرد، خبرچین است.

داستان فیلم ماجرای مقاومت مردمان این‌دهکده‌است. مردم‌بااعتقادات‌گوناگون درکنار یکدیگر می‌رزمند. زنان وپیرـ مردانی‌که پیوسته خاج می‌کشند، همراه معلم کمونیست دهکده با فاشیست‌ها می‌جنگند. درفیلم، مردمان دهکده و رئیس فاشیست‌ها، دونظام مختلف را به نمایش میگذارند. دریك‌سو مردمانی از میهن خود دفاع میکنند. میهنی که معنای آن عشق، زیبایی، آزادی، کار و روابط انسانی است، دریك سوست. و میهنی که فاشیست‌ها معنای آن را پول، لذت، شهوت وجنایت می‌دانند، در سوی دیگراست.

وقتی زنی ازکمونیست‌ها ازصحنه‌نبرد برمیگردد، تافرزند خودرا بدنیا بیاورد، فیلم به‌اوج میرسد. خبرچین،زن کمونیست را لو میدهد. ولی زن کمونیست، درمقابل همه تهدیدات رئیس فاشیست‌ها، سکوت میکند. اورا یکتا پیراهن، در زمستان یخبندان شوروی، به زندان می‌اندازند و همانجا فرزند او بدنیا می‌آید. رئیس فاشیست‌ها میگوید: حرامزاده است، و فیلم چهره پدر اورا درسنگرنشا ن‌میدهد.

خلقهای شوروی: تاجیك وازبك و روس و .. گرد آتش نشسته‌اند و نقشه دفاع از میهن را می‌کشند. صحنه بعد، شاهد جنایت هولناك رئیس فاشیست ها هستیم. اونوزاد راروی میز میخواباند و باهفت تیر به‌شقیقه‌اش نشانه میرود. مادر باید کمونیستهارا لوبدهد، تا فرزندش نجات یابد. زن کمونیست در جواب میگوید ؟

«من هزاران فرزند دارم که از خاك میهن دفاع میکنند.»

پایان این جمله، شلیك فاشیست‌است وبعد نوبت تیرباران خود زن کمونیست میرسد

درپایان کمونیست‌ها می‌آیند وارتش شوروی دهکده را آزادمیکند. فیلم رنگین‌کمان، که باید ازنمایش آن در تلویزیون سپاسگزار بودوتکرارفیلمهائی ازاین دست را، ازهرکجای جهان که صحبت ازرزم خلق‌هاست، آرزو کرد، جرقه‌ای ازآن خرمن آتشی را، که امپریالیسم میکوشد زیر پوشش اتهامات وفریب‌ها پنهان کند، برقلب خلقهای ما تاباند.

وزیرخارجه افغانستان: افغانستان ازانقلاب ایران در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا حمایت میکند

شاه محمددوست، وزیرخارجه افغانستان، هنگام اقامت دربیروت وملاقات بارهبران‌فلسطین درمصاحبه‌ای بانشریه «فلسطین الثور» شرکت‌کرد.

وی‌گفت‌که افغانستان از انقلاب ایران درمبارزه علیه‌امپریالیسم آمریکا حمایت‌میکند.

شاه محمددوست در این‌مصاحبه تاکیدکردکه اوضاع کشور بسرعت بهبود مییابد وزندگی در افغانستان عادی شده است.

وزیرخارجه افغانستان‌به‌خبرنگار نشریه«فلسطین‌الثور» گفت‌که امپریالیسم جهانی‌بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وارتجاع کماکان به‌مداخله درامور داخلی افغانستان وخرابکاری درراه پیشرفت انقلاب‌کشور ادامه میدهند. وی‌گفت‌که امپریالیسم آمریکا ریاکارانه نقاب «دفاع از اسلام» بسرچهره زده است،درحالیکه دشمن‌واقعی و اصلی‌مسلمانان است‌وثروتهای‌کشورهای اسلامی‌را به‌کمك رژیم‌های مزدور تاراج میکند.

شاه‌محمد دوست‌گفت‌که انقلاب افغانستان ازمبارزه قهرمانانه خلق‌فلسطین دفاع‌می‌کند.

رویدادهای جهان

مسلح‌شدن رژیم سادات خائن‌توسط امریکا افزایش می‌یابد

به‌نوشته روزنامه‌های مصری، هارولد براون وزیر دفاع آمریکا ماه آینده برای بحث درباره «مسائل نظامی ودفاعی» وارد قاهره میشود. قراراست آمریکا چهل‌هواپیمای اف ۱۶ و۲۵۰ تانك مدرن دراختیار ارتش مصرقرار دهد.

درجریان دیدار براون از قاهره، این مسئله موردبحث قرارخواهد گرفت.

ازسوی دیگر درپی سخنان صریح سادات مبنی براینکه آمریکا میتواند «از سرزمین مصربرای عملیات درخاورمیانه استفاده کند»، دیدار براون از قاهره اکنون اهمیت بیشتری یافته است.

امپریالیسم آمریکا ازیکسو باارسال‌سلاح به‌مصر، رژیم خائن سادات را به‌ژاندارم خود تبدیل میکند و از سوی دیگر مستقیماً از پایگاههای‌این‌کشور برای عملیات‌تجاوزکارانه درخاورمیانه استفاده خواهد کرد.

خلق السالوادور مصمم است تا پیروزی نهائی به مبارزه ادامه دهد

سخنگوی گروههای چپ السالوادور، در مصاحبه‌ای با یك روزنامه مکزیکی، گفت‌که خلق السالوادورمصمم است تا پیروزی‌نهائی به مبارزه ادامه دهد. وی اعلام‌کردکه مردم دیگر حاضرنیستند رژیم‌دست‌نشانده امپریالیسم‌آمریکا وسلطه‌آمریکا برکشور وغارت وچپاول‌ثروتهای خود را تحمل کنند و در فقر و مسکنت بسر برند.

سخنگوی گروه‌های چپ السالوادور در مصاحبه خود تأکید کردکه خلق السالوادور بی‌شك برای تهاجم نظامی مستقیم آمریکا نیز آماده‌است. امپریالیسم‌آمریکا که سیل سلاح را برای رژیم دست‌نشانده السالوادور و گروه‌های ارتجاعی‌کشور سرازیر کرده‌است، ظاهراً مصمم است برای جلوگیری از پیروزی انقلاب در السالوادور مستقیماً ویا ازطریق‌رژیم‌های‌مزدور درگواتمالا، هندوراس نیرو درالسالوادورپیاده کند.

محافل ترقیخواه آمریکای لاتین اعلام کردندکه هرگونه مداخله‌آمریکا صلح‌وآرامش منطقه را مورد تهدید قرارخواهد داد.

تحریکات مسلحانه اسرائیل درجنوب لبنان ادامه دارد

تحریکات مسلحانه اسرائیل‌درجنوب‌لبنان، برغم اعلامیه رسمی این کشور مبنی بر خروج سربازان اسرائیلی از منطقه کماکان ادامه دارد.

روزنامه‌های بیروت گزارش دادند که نیروهای اسرائیلی‌همچنان قسمتهایی ازجنوب لبنان را دراشغال دارند. سربازان اسرائیلی‌در جریان تهاجم هفته‌گذشته به جنوب لبنان، دهها خانه را ویران کردند و استحکامات جدیدی برای نیروهای تحت فرماندهی سرگرد حداد ایجادکردند.

سرگرد حداد بدستوراسرائیل دریك هفته اخیربارها به مواضع نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل درجنوب لبنان حمله‌کرده است. سرگرد حداد تلاش دارد نیروهای سازمان ملل را ازجنوب لبنان اخراج‌کند و راه را برای مداخله هرچه بیشتراسرائیل‌هموار سازد.

وزیرخارجه اتحادشوروی: همه‌دول صلحدوست باید برای ازبین‌بردن خطرجنگ همکاری کنند

آندره‌گرومیکو وزیرخارجه اتحادشوروی اعلام‌کردکه‌دراوضاع واحوال متشنج‌کنونی لازم است همه دول صلح‌دوست برای از میان بردن خطرجنگ همکاری‌کنند.

وزیرخارجه اتحاد شوروی‌گفت‌که‌لازم‌است مقاوله‌نامه‌ی منع استفاده از سلاح نوترونی منعقد و کنفرانس جهانی خلع سلاح برگزار شود.

گرومیکو اهمیت منع کامل تولید سلاح هسته‌ای‌را مورد تأکید قرارداد.

زندگی‌در کامپوچیا روال عادی‌خود را ازسر میگیرد

گزارشهای رسیده ازکامپوچیا نشان‌میدهد که امسال هفتصد هزارتن وارد مدارس متوسطه میشوند وباکمك کشورهای سوسیالیستی، بویژه جمهوری سوسیالیستی ویتنام و اتحاد شوروی، صدها مدرسه جدید ساخته شده است، همچنین شش‌هزاروپانصد پزشك، کمك پزشك و پرسنل بهداشتی‌بوسیله‌کارشناسان‌اتحادشوروی،جمهوری سوسیالیستی‌ویتنام ودیگرکشورهای‌سوسیالیستی آموزش دیده و به‌شهرها و روستاها فرستاده شده‌اند.

دردوران حکومت‌باندخون‌آشام‌پول‌پوت‌ـ ینگ‌ساری تقریباً همه مدارس وبیمارستانهای کشور نابود شد وآموزگاران وپرسنل‌بهداشتی قتل‌عام شدند. خلق‌کامپوچیااکنون درپی‌مصائب فراوانی‌که متحمل شده‌است، با خوش‌بینی به آینده مینگرد.

سپاه پاسداران باید از حق و انقلاب در برابر باطل و ضدانقلاب دفاع کند

در سومین سمینار بزرگ ارتش بیست میلیونی، که بدعوت سپاه پاسداران برگزارشده بود، فرمانده این سپاه طی سخنانی از جمله گفت :

«سپاه بایدکاملا بی‌طرف باشد و تحت تاثیر خواست‌های هیچ حزب و گروهی قرار نگیرد.»

(بامداد ۲۳فروردین)

این اظهارات مثبت مورد تأیید حزب‌توده ایران وسایرنیروهای مترقی است. چه، شرایط حساس‌کنونی‌حکم میکندکه این سپاه، که‌همچون نهادی انقلابی وخلقی، ازدرون جنبش‌قهرمانانه مردم ایران سر برافراشته، تحت‌تأثیر هیچ گروهی‌ودسته‌ای نباشد، از بی‌تفاوتی منفی به مسائل‌مبری باشد و تنها تأثیرپذیری آن از خلق وعملکرد آن در راستای منافع خلق و انقلاب‌بزرگ ضدامپریالیستی وخلقی ما باشد.

اما متأسفانه، علیرغم اظهارات درست و منطبق با قانون اساسی‌فرمانده سپاه پاسداران بکرات مشاهده شده‌است‌که برخی از افراد و عناصروابسته به این‌سپاه درتهران وشهرستانها در درگیریها، جانب عناصرمشکوك ومسلمان‌نما راگرفته‌اند،که اعمال خرابکارانه آنها همچون به‌آتش‌کشیدن‌کتابفروشی‌ها، حمله به‌میتینگ‌ها، ضرب و شتم شرکت‌کنندگان در آن‌ها و ایجاد نفاق وبدبینی درمیان مردم بر همگان روشن است.

موضوع اصلی برسر آن نیست که سپاه پاسداران انقلاب در درگیریها، جانب این یا آن‌را بگیرد وعلیه این ولهآن یکی‌به‌میدان آید. موضوع اصلی برسرآنست‌که این‌سپاه حق را از باطل‌وانقلابی‌را از ضدانقلابی تمیزدهد وبسود حق انقلابی ازایجاد درگیری جلوگیری بعمل‌آورد وباطل وضدانقلابی را طرد و خنثی کند.

درشرایط حساس‌کنونی، که ضدانقلاب و عوامل مزدور رژیم سابق و امپریالیسم آمریکا مترصد فرصتند تادشته به قلب انقلاب فرود آورند وآنرا ازحرکت بازدارند، درچنین لحظاتی باید بادرایتی خاص، با جانبداری از حق، ازخلق وازانقلاب، ازایجاد درگیری، که مستقیماً بسود ضدانقلاب است، جلوگیری بعمل آید ومسببین درگیریها، خرابکاریها و هجوم‌ها شناسائی، دستگیر ومجازات شوند.

دیگر آنکه، اصل عدم تأثیرپذیری سپاه به‌حزب و دسته خاص درمورد دیگر ارگانهای اجرائی، همچون شهربانی‌که دردوران کنونی مسئولیت حساسی را بردوش دارد، نیز صادق است. شهربانی جمهوری اسلامی ایران‌نیزباید بادفاع ازنیروهای انقلابی، ازایجاد درگیری و زدوخورد جلوگیری بعمل‌آورد و مسببین را شناسایی‌ودستگیرکندوتسلیم دادگاه عدل نماید.

درآخر باید به‌این نکته محوری تأکید کنیم‌که اظهارات بجا و اصولی فرمانده سپاه پاسداران، که‌درحقیقت ازضروریات انقلاب‌نیز هست، نه‌تنها باید از سوی مسئولین امر مورد اجراقرارگیرد،بلکه‌بایدباپاکسازی‌عناصرناپاك ومشکوك درسپاه پاسداران، اجرای‌کامل این اظهارات را تأمین‌کرد.

از انتشارات حزب‌توده‌ایران

منتشر شد

پرسش و پاسخ (شماره ٦٥)

مواضع ما درباره شوراها، مسئله کردستان وجبهه متحدخلق

نورالدین کیانوری

اعتراض کارگران جهادسازندگی به‌کومه‌له در سقز

مدتی پیش جهاد سازندگی در شهر سقز، حدود۳۰۰ـ۶۰۰ نفرکارگررا بمنظورشروع‌فعالیت‌های‌عمرانی‌استخدام‌کرد. کارگران بیکارهم با رضایت پذیرفتند. اما کومه‌له به‌کارگران میگفت،

«شمانباید درجهادسازندگی کار بکنید، چون دولت مرکزی میخواهد با این اقدام برای‌خود تبلیغات‌کند و پایگاه‌کسب‌کند و ما اجازه نمیدهیم‌که دولت برای خود درکردستان تبلیغات‌کند.»

اما کارگران‌عکس‌العمل شدیدنشان داده‌گفتند،

«ما بیکار هستیم و هیچگونه درآمدی نداریم. اگرشما حاضر هستید هزینه زندگی خانواده ما راپردازید،ماهم‌درجهادسازندگی کار نمی‌کنیم ویا اگرشما ازشغل خودتان که ماهیانه حقوق مفت میگیرید، استعفا بدهید، ما هم کار نمی‌کنیم.»

کارگران بشدت به‌کومه‌له اعتراض‌کردند و ضدانقلابیون کومه‌له‌ای نتوانستندنظریات‌خود را به‌کارگران تحمیل‌کنند!

(توجه!)

جلسات «پرسش و پاسخ» تا اطلاع ثانوی، بجای روزهای چهارشنبه، **روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعدازظهر** در دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران تشکیل میشود.

یکشنبه‌ها: نامه«مردم» بزبان کردی

هموطنان‌کرد مقیم تهران میتوانند نامه«مردم» بزبان کردی‌را، که روزهای یکشنبه منتشرمیشود، ازکیوسکهای تهران دریافت دارند.

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

www.iran-archive.com

قطع ریشه تسلط امپریالیسم و برنامه‌ریزی علمی، تنها راه تأمین استقلال اقتصادی و رشد اقتصادیست

درارتباط باقطع‌روابط‌سیاسی ایالات‌متحده آمریکابا‌ایران، امام خمینی طی پیامی به مردم ایران تبریك‌گفت و مردم ایران این قطع‌رابطه را جشن‌گرفتند. بنظرما تبریك امام‌و جشن خلق دارای مضمون و محتوی ژرفی است، که باید آنرا درك‌کرد.

باقطع روابط سیاسی باامپریالیسم جهانخوار آمریکا،صفحه نوین درتاریخ معاصرنهضت رهائی‌بخش ملی‌میهن‌ماگشوده شده‌است. اینك، میهن بلاکشیده‌ماامکان آنرابدست‌آورده است‌که براساس برنامه‌های سنجیده وحساب‌شده، گام در راه کسب استقلال اقتصادی، بسود توده‌های محروم، که یکی ازاهداف مقدس انقلاب ایران است، بگذارد.

حزب توده ایران به‌پیروی ازمشی اصولی وانقلابی و بنابر مسئولیت خویش دربرابـر خلق وانقلاب، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، طرح‌های مشخصی‌را درهمه عرصه‌هـای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای بـازسازی و نوسازی‌جامعه ایران‌به‌دولت وسایرارگانهای مسئول‌پیشنهاد کرده است. این‌طرحها ـ که‌اینك درجزوه‌ای یکجاانتشار یافته‌است ـ بخوبی نشان میدهدکه حزب‌ما چگونه دربرابر انقلاب وامر بازسازی و نوسازی جـامعه احساس مسئولیت میکندوچسان کوشیده است باپیشنهادهای سازنده، جامع و عملی سهم فعال خود را درساختمان ایران نـوین اداکند و در تثبیت ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران بکوشد.

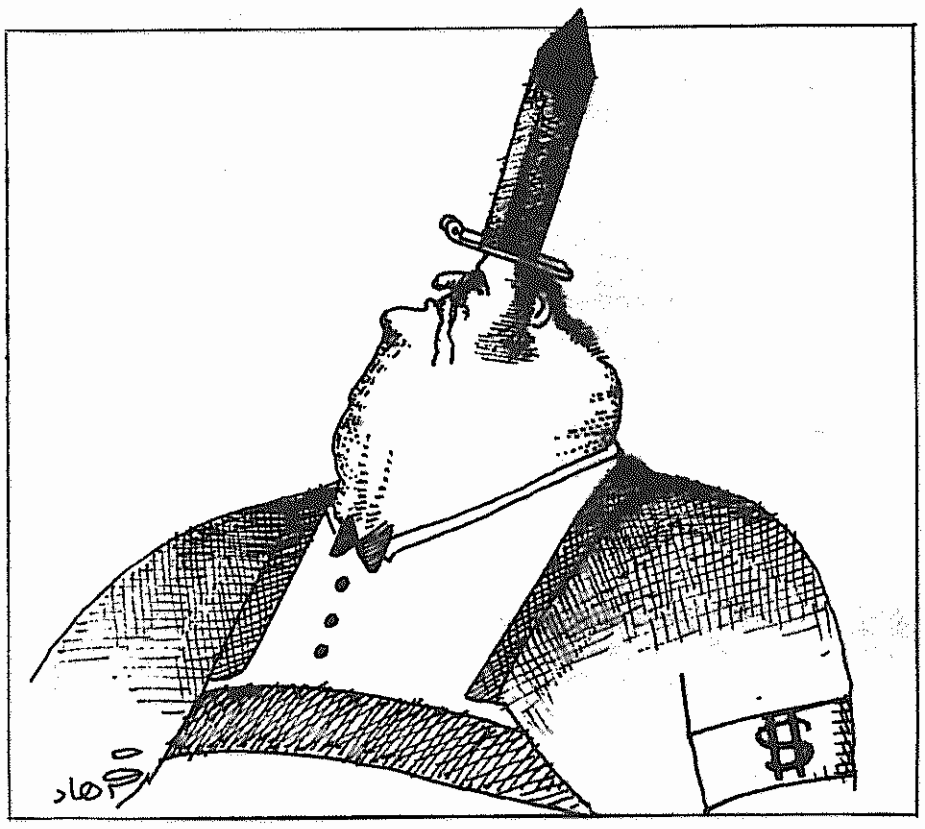

ماازنخستین روز پیروزی انقلاب برآن بودیم، وامروز نیز که درمقابل محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا قراردارایم، براین عقیده‌ایم، که نجات دستاورد های انقلاب در گرو نوسازی سریع‌اجتماعی‌ـ اقتصادی براساس برنامه‌ریزی وبر پایه شناخت عینی شرایط جامعه است. بهمین سبب هم، درآن ایام، که مسئله حیاتی «چه باید کرد؟» مطرح بود، مابرنامه‌های درازمدت وکوتاه مدت رشد آتی صنعتی و کشاورزی رادررابطه بانظام اقتصـادی مصرحه درقانون اساسی جمهوری‌اسلامی ایران، بقصد دستیابی‌به‌استقلال اقتصادی ارائه‌داشتیم.زنگ‌خطرازهم‌پاشیدن‌شیرازهٔ اقتصادی‌ایران‌رابمثابه خطرمهلکی برای انقلاب بصدا درآوردیم. ماباشناختی‌که از امپریالیسم ، به سرکردگی امپریـالیسم آمریکا ، داریم، بدون کوچکترین توهمی میدانستیم ، کـه دیریـازود امپریالیسم امریکا به نقشه های شیطانی خوددرمورد محاصره اقتصادی‌بمنظور واردکردن‌ضربه به انقلاب ، جامه‌عمل خواهد پوشاند . بهمین دلیل ماهماپیش، بابرخورد اصولی وسازنده، برنامه جامع مقابله بامحاصره اقتصادی امپریالیسم را ـ تا آنجا که‌در امکان داشتیم ـ به دست اندر کاران دولت انقلابی پیشنهاد کردیم .

امروز نیز، در این لحظات حساس ما وظیفه خودمیدانیم ، که نظرات خود را درزمینه حل معضلات اقتصادی بادولت ومردم درمیان بگذاریم .

چگونه میتوان به مشکلات اقتصادی فائق آمد

درشماره ۱۷ فروردین روزنـامـه «انقلاب اسلامی» ، آقای بنی‌صدر رئیس جمهور ،مقاله‌ای تحت عنوان «در زمینـه استقلال اقتصادی چه کرده‌ایم ؟» درج کرده‌اند ، که جلب توجه میکند.ایشان مینویسند :

«چرا زیرسلطه بودیم ومیرفتیم؟باملاحظه ترکیب بودجه کشوردر دوران‌رژیم‌سابق، جواب درست را بدست می‌آوریم. بودجه کشور دارای مشخصات زیر بود :

ـ روزبروزبیشتربه‌درآمدهای نفتی ومنابع خارجی وحقوق و عوارضـ گمرکی متکی میشد .

ـ روز بروز سهم هزینه های جاری بیشتر میشد .

ـ درآن روز بروز سهم هزینه های سرمایه‌گذاری که به‌افزایش‌واقعی تولید بیانجامد ، کمتر میشد .

ـ بخش بزرگی از درآمد های‌نفتی نفله و غارت میشد .

وامروزمشخصه‌آخری راتا حدود زیاد از دست داده است ، اما در عوض بیشتر به درآمدهای نفتی و گمرکی متکی شده است. در آن سهم هزینه های جاری کماکان بالا است و برداشت آن از تولید واقعی بسیار کمتر شده است».

ماکاملا با این نظر آقای رئیس‌جمهور موافقیم و در تحلیل هـای خودجوانب گوناگون‌این روند را بررسی کرده‌ایم.

بدون تردید تشخیص مرض ،مستلزم ارائه طریق معالجـه آن است . هـر پزشکی پس از معاینه و تشخیص مرض، نسخه‌ای مینویسد که‌درآن نحوه‌استفاده از داروها را دقیقا تعیین میکند. اگـر مریض دستور های پزشك‌معالج‌را مراعات نکند ، مرض علاج نخواهد شد ، اقتصاد علیل و بیمار به ارث رسیده از رژیـم سابق نیز از این قاعده مستثنی نیست . اقتصاد بیمار ما نیاز مبرم به‌معالجه‌سریع براساس نسخه مدون دارد . واین‌نسخه چیزی جز برنامه سنجیده و حساب شده نیست و نمی‌تواند باشد .

ناگفته پیداست ،که منظور ما به هیچوجه خرده گیری و یا انتقاد محض خاطر انتقاد نیست . هدف ، بحث‌سازنده علمی است برای‌پیدا کردن‌بهترین‌راهها که این نیز جز بابرخورد نظرات‌امکان‌ـ پذیر نیست .

حال باید دید در یکسال واندی‌که از پیروزی انقلاب میگذرد، چه نسخه‌ای برای برون رفت از بن‌بست اقتصادی تجویز شده است .

متاسفانه طی‌این‌مدت تنها کاردولت عبارت بوده است ازانژکسیون مالی‌بدون برنامه ، به اقتصاد وابسته . در ایـن مدت بانك مرکزی ۵ میلیارد ریال ، وزارت صنایع ومعادن ۸۰ میلیارد ریال، وزارت بازرگانی ۲۰ میلیارد ریال وبانك صادرات ۳۰میلیاردریال، یعنی جمعا۱۳۵ میلیارد ریال اعتبار جهت باصطلاح‌تسهیل در کار واحدهای‌صنعتی درنظرگرفته‌اند. ازآنجا که‌نه‌بانکهاونه‌بویژه‌وزارت‌صنایع ومعادن هیچگونه برنامه‌ای جهت صرف این اعتبارها نداشتند ، چگونگی جذب اینهمه‌اعتبار از طرف واحد های‌صنعتی‌نیز نامعلوم است .

اگر تا تصویب قانون اساسی‌جمهوری اسلامی سردرگمی در وزارتخانه‌ها می‌ـ توانست‌تااندازه‌ای‌توجیه شود، خودداری از تدوین برنامه، حتی برنامه کوتاه‌مدت، با وجود دستگاه عظیم سازمان برنامه ، بعداز تعیین نظام اقتصادی بهیچوجه قابل اغماض نیست .

مابارها گفته‌ایم و باز تکرار می‌ـ کنیم که تاخیر و تعلل در این‌امرحیاتی، معضلات اقتصادی را پیچیده‌تر میکند و علاج آنرا با اشکالات فراوانی مواجـه میسازد . متاسفانه باید گفت که این روند کماکان ادامه دارد .

در اطلاعیه‌ای‌که اخیرا خطاب بـه بانکها صادر شده،موسسات مالی مزبور ملزم به فعالیت وسرمایه‌گذاری دررشته های تولیدی صنعت و کشاورزی شده‌اند. در این اطلاعیه گفته میشود که ،کلیه بانکهای کشور ، اعم‌از بانك‌های‌تخصصی وتجاری واستانی، موظفنددراسرع وقت:

ـ تسهیلات اعتباری واعطای وام را برای کلیه رشته‌های تولیدی‌در بخش‌های مختلف فراهم‌آورند.

ـ باگروهها و شرکت های تعاونی مشارکت کنند وطرحهای تولید جدید را به‌مرحله اجرا بگذارند .

ـ خود مستقیما در رشته هـای تولیدی و در زمینه های مختلف سرمایه‌ـ گذاری کنند.

وبالاخره در اطلاعیه گفته میشود :

«بانکهای تخصصی موظفند بنا بـه درخواست بانکهای تجاری واستانی ، متخصصین تجزیه و تحلیل طرحهـای سرمایه‌گذاری را ولو بصورت موقت در اختیار بانك های مذکور قرار دهند و همه‌گونه‌همکاری در این جهات بعمـل آورند».

سئوالاتی که پس از مطالعه این اطلاعیه برای هرخواننده کم وبیش آگاه از امور اقتصادی مطرح میشوداینستکه:

متخصصینی که بصورت موقت در اختیار بانکها گذارده خواهند شد،کدام طرحهای سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار خواهند داد ؟

تنظیم کنندگان این طرحها در استانها چه‌کسانی هستند وبراساس چه ضوابطی عمل می‌کند ؟

آیا اولویت های صنعتی شدن برای پایان‌دادن به‌وابستگی‌صنایع‌درنظر گرفته شده‌است؟

نقش سازمان برنامه در این میـان چیست ؟

اگر تصمیم بر این باشد که هر استانی ، بدون درنظر گرفتن سیاست کلی اقتصادی کشور ، به صوابدید خود طرحهائی را (پس از تصویب متخصصین اعزامی) بمورد اجراء گذارد ، آیا خطر آن نیست که‌مشکلات جدیدی‌برمشکلات افزوده گردد؟

هدف از دگرسازی و نوسازی اقتصادی در حال‌حاضر عبارتست ازخاتمه دادن به وابستگی صنعتی وکشاورزی و دست‌یابی به خودکفایی در رشته هـای مهم تولید صنعتی و کشاورزی . اشتباه بزرگی است اگر تصور شود که این هدف بدون برنامه‌ریزی متمرکز ، در چارچوب‌استانها قابل حل خواهد بود . بزرگترین کاریکه در چارچوب این و یا آن استان بطور جداگانه می‌توان انجام داد ، ایجاد برخی رشته های کوچـك صنایع مصرفی است . حال آنکه تعداد اینگونه صنایع در کشورمافراوان‌است‌و در این زمینه ما تا اندازه‌ای‌هم‌خودکفا هستیم . اگر بخواهیم صنایع جدیدی‌از این نوع بوجود آوریم ، چیزی جز تعمیق وابستگی نخواهد بود ، زیرا هم‌اکنون صنایع موجود سبك ، به علت‌کمبودمواد اولیه ویدکیها، قادر بکار نیستند. با وارد کردن ماشین‌آلات‌وازاین‌راه‌احداث کارخانه‌های جدید ، ما هیچگاه به خودـ کفائی در صنعت نخواهیم رسید.

وقتی میگویند استقلال اقتصادی ، منظور در وهله نخست تـامین استقلال صنعتی است ،که بدون آن ، دستیابی به خودکفائی درتولید کشاورزی هم‌امکان نخواهد داشت . واین نیز بدون ایجاد صنایع بنیادی و کلیدی، ازطریق‌برنامه‌ـ ریزی متمرکز ، مقدور نخواهد بود .

برنامه‌ریزی ساخت اقتصادی

نظام اقتصادی نوین برپایه‌اولویت بخش دولتی وقتی میتواندمؤثر افتد،که شیوه اجرای سیاست اقتصادی دقیقاًبکار بـرده شود. چنین شیوه‌ای عبارتست از برنامه‌ریزی صحیح رشد اقتصادی، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌تصویب رسیده است.

بنظرما برنامه‌عمرانی بایدسه‌بخش دولتی، تعاونی وخصوصی را دربرگیرد. چارچوب عملکردبرنامه عمرانی‌وثمرـ بخشی سیاست اقتصادی‌دولت دردرجه‌اول وابسته به‌تناسب‌بخشهای خصوصی‌ودولتی است. برنامه ریزی وقتی میتواند موفق باشدکه بخش دولتی خلقی‌مواضع کلیدی و حساس را دردست داشته باشد. تحکیم وگسترش بخش دولتی خلقی پـایه‌های برنامه‌ریزی درسطح کشوررا مستحکمتر میسازد.

خوشبختانه کشور ما دارای منابع زیرزمینی فراوانی است‌که میتواندیکی از مهمترین عوامل رشد اقتصادی‌مستقل را تأمین کند. تجربـه سالهای قبل از انقلاب نشانگر آنستکه بازرگانی‌خارجی ومکانیسم ارزی‌ـمالی واعتباری‌ـبانکی ازحربه‌های عمده گسترش‌سلطه‌امپریالیسم بر شئون اقتصادی‌کشور ومآلا سداساسی در راه اجرای حتی برنامه‌های عمرانی نیم‌بندگذشته بود. بـا ملی کردن بانکها امکان‌آن‌به‌وجودآمده است‌که‌برای‌همیشه به‌نفوذ امپریالیسم در کشور پایان داده شود و درآمد ملی ما درخدمت پیشرفت اجتماعی‌ـاقتصادی قـرارگیرد. تمرکز خرید وفروش ارز دردست‌دولت‌وکنترل آن، استفاده ازارزخارجی فقط‌برای‌رشد اجتماعی‌ـاقتصادی ازجمله تدابیری‌است که باید مورد توجه برنامه ریزان‌کشور باشد. تمرکزدرآمدکشوروتقسیم‌آن‌برای تأمین رشد اقتصادی و اجتماعی بوسیله بودجه کل‌کشور انجام میگیرد. بودجه کشورباید‌تابع‌وظایف‌برنامه‌رشداقتصادی باشد. بودجه‌برای کلیه‌دوران‌برنامه‌تنظیم میشود. شرکت فعال دولـت انقلابی در اقتصادبرنامه‌ای،ساخت‌بودجه‌رادگرگون میسازد. رشد بودجه‌دراین شرایط‌ناگزیر است و مبین‌آنستکه‌آن بخشی ازبودجه کشور،کـه درگذشته بـه‌گاو صندوقهای سرمایه‌داران‌بزرگ داخلی‌وانحصارهای بین‌المللی خارجی سرازیر میشد، صرف اجرای طرحهای بنیادی در زمینه‌هـای اجتماعی‌واقتصادی درداخل‌کشورمیشود.

تأثیر بودجه درتشکل بخش دولتی خلقی و لزوماً تحول در مجموعه ساخت اجتماعی و اقتصادی به‌اشکال زیرصورت میپذیرد،ازراه‌سرمایه‌گذاری‌مستقیم‌درایجاد مؤسسات جدیدتولیدی، واگذاری‌سرمایه ثابت و سرمایه‌گردان به‌مؤسسات‌دولتی، اعطای اعتبار به‌مؤسسات تولیدی جهت نوسازی.درعین‌حال،سودحاصله‌ازعملکرد بخش‌دولتی‌ازطریق بودجه صرف‌نوسازی اقتصادکشور درمجموع خودمیگردد.

تدوین برنامه جامع، بدون ایجاد مکانیسم نظارت وکنترل به‌منظوربررسی وضع اقتصادی، تعیین سمت‌واهداف‌رشد، کنترل اجرای آن و هم‌آهنگی فعالیت اقتصادی امکان‌پذیر نیست . در اینمورد تجدیدنظردرساخت‌سازمان‌برنامه‌ضرورت دارد.ساخت‌این‌سازمان‌بایدعبارت‌باشداز سازمانهای‌متحرك‌وفعال‌مرکزی، استانی و شهرستانی.

بنظرما، ارگان مرکزی برنامه، که وظایف‌مهم‌اجرای سیاست‌اقتصادی‌دولت، هم‌آهنگی‌فعالیت‌عمرانی کلیه‌وزارتخانه‌ها و سازمـانهای اقتصادی را بعهده دارد، باید به‌وزارتخانه ویژه‌ای تبدیل‌گردد. تنظیم، اجـرا وکنترل برنامه‌هـای رشد اقتصادی دراین‌وزارتخانه‌متمرکزخواهد شد. وزارتخانه ، نیروی کار و بودجـه ضرور برای اجـرای برنامه را تعیین خواهدکرد وچگونگی‌سرمایه‌گذاریهای خصوصی‌را معین خواهدساخت. برنامه‌ـ ریزی مالی،حجم اسکناس‌درگردش،تهیه برنامه برای مؤسسات بانکی، برنامه‌ـ ریزی قیمت‌ها، دستمزدها ، مالیات‌هـا، بازرگانی‌داخلی‌وخارجی، تولید صنعتی، کشاورزی، دامی، ساختمانی، حمل‌ونقل آموزش‌وپرورش و همانند آنها بعهـده وزارتخانـه وشعبات‌آن دراستانهـا و شهرستانها خواهد بود .

وزارت برنامه ، با همکاری نزدیك دیگرموسسات دولتی، تعاونی وخصوصی برنامه را تهیه وتنظیم خـواهد کـرد. مسئله قیمت‌گذاری،تعیین‌سطح دستمزدها میزان سرمایه‌گذاری درنظرگرفته شده طبق‌برنامه،استهلاك وسائل‌تولید،تدابیر باروری تولید ازجمله وظایف‌ارگانهای کنترل وزارت برنامه خواهد بود.

درسیستم ارگان‌های برنامه‌ریزی و هم‌آهنگی‌اقتصادی، سازمان‌های دولتی‌ـ اجتماعی‌ازطریق شوراها وسندیـکاهای کارگـری نقش مهمـی خواهند داشت . شوراها و سندیکاهای بخش‌هـای سه‌گانه دولتی، تعاونی‌وخصوصی‌درتدوین برنامه وحل دیگرمعضلات اقتصادی مربوط به هرکدام ازبخش‌های نامبرده با وزارت برنامه همکاری خواهندکرد .

ارگان‌های برنامه‌ریزی استان‌ها و شهرستان‌ها، که تابـع وزارت برنامـه هستند،ضمن‌بررسی‌معضلات‌رشدمنطقه‌ای، وسائل‌مادی،طبیعی‌ونیروی‌کار، نیازمندی‌ـ های هـرمنطقه جداگانـه را تعیین و برنامه‌های تنظیم شده را برای تـدوین برنامه هم‌آهنگ و موزون کشوری بـه مقامات بالاتر ارائه خواهند داد.

برنامه رشد اقتصادی، که بدینسان با مشورت وصلاحدیـدکلیه زحمتکشان شاغل در بخش‌هـای دولتی، تعاونـی و خصوصی‌تنظیم وبه تصویب میرسد،سندی قانونی ومـورد قبول خواهد بود، کـه نمیتواند بمورد اجراگذارده نشود.

پوشیده نیست که تحول سریـع و بنیادی اجتماعی‌ـ اقتصادی بـه میزان زیادی با اجرای برنامه‌های منبعث از واقعیات عینی رشد جامعه ارتباط دارد. نباید ازنظر دورداشت‌که شیوه برنامه‌ـ ریزی واشکال سازمانی‌آن، درارتباط با تغییرات کیفی‌اداره امورواقتصادی درحال تغییروتبـدل است. رشد مستمـر بخش دولتی، شالوده برنامه‌ریزی‌درسطح‌کشور را تحکیم می‌بخشد وشرایط اجرای‌آنرا فراهم میآورد . تبدیل برنامه‌ریزی بـه وسیله مؤثـر رهبری و هـدایـت رشد اقتصادی، وظیفه عمـده دولت انقـلابی است.ایجاد اقتصاد ملی مستقل و پویـا وظیفه اساسی‌مرحله‌کنونی‌رشد وتـداوم انقلاب است ، زیرا، فقط برپایـه یـك اقتصاد ملی‌نیرومندومستقل میتوان‌دیگر مسائل‌نوسازی حیات ملی را حل‌کرد، و اماپیشرفت‌اجتماعی‌ورشد مستمراقتصادی فقط‌ازطریق اداره‌برنامه‌ای‌کشورامکان‌ـ پذیراست، تنها نیروی قـادر بـه رشد برنامه‌ای اقتصاد، دولتی‌است‌که منعکس کننده اراده وآرمان زحمتکشان‌ودیگر توده‌های محروم باشد.

رژیم شاه مخلوع وامپریالیسم‌حامی آن، ضربات مهلکی برپیکراقتصاد ملی ما وارد ساخته‌اند،که علاج آن نیازمند زمان است . برای دستیابی بـه اقتصاد مستقل وشکوفا، راه پرپیچ وخمی‌درپیش داریم ولی‌این نیزمسلم است‌که فقط‌از طریق‌پیشرفت اجتماعی برنامه‌ریزی‌شده میتوان درزمان تاریخی‌کوتاه به بهره‌ـ کشی، فقـر و بیسوادی پایـان بخشید ، نیروهـای مـولـده را رشد داد و رشد اقتصادی موزون را تأمین‌کرد .

تغذیه رایگان به‌فرمان شاه مخلوع

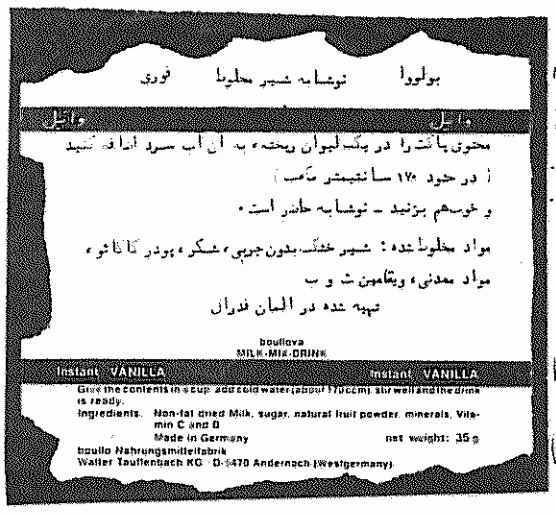

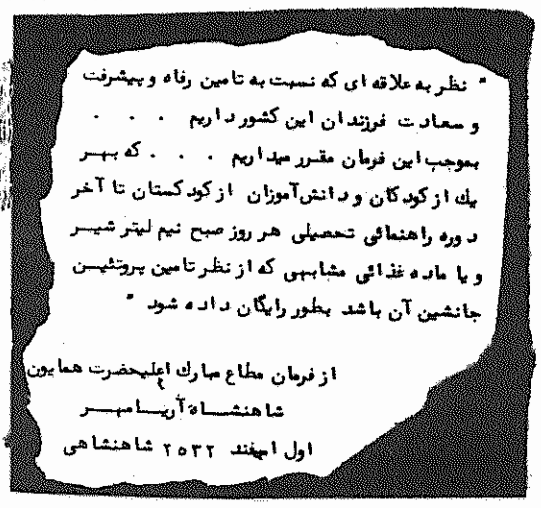

" نظر به علاقه ای که نسبت به تامین رفاه و پیشرفت و سعادت فرزندان این کشور داریم . . . . بموجب این فرمان مقرر میداریم . . . که بهر یك از کودکان و دانش‌آموزان از کودکستان تا آخر دوره راهنمائی تحصیلی هر روز صبح نیم لیتر شیر و یا ماده غذائی مشابهی که از نظر تامین پروتئین جانشین آن باشد بطور رایگان داده شود "

از فرمان مطاع مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

اول اسفند ۲۵۳۲ شاهنشاهی

روز شنبه ۱۷ فروردین سال جاری در یکی ازدبستان‌های تبریز به‌فرمان شاه مخلوع تغذیه رایگان «آریا مهری» انجام شد! غذای مذکور عبارت از پودری بود،کـه داخل پاکت سفید رنگی قرار داشت. یـك روی این پاکت مزین به «فرمان مطاع مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه‌آریامهر» ،ودرمورد تغذیه رایگان وروی دیگرآن مربوط به‌کارخانه‌آلمانی‌سازنده پودر بودا

آیا این یك اقدام آگاهانه نیست‌که از جانب ضدانقلاب صورت‌گرفته است؟

تمام قراردادهای اقتصادی ونظامی اسارتگر امپریالیستی بایدلغو شود

www.iran-archive.com

کنفرانس طرابلس...

بقیه ازصفحه ۱

دراین کنفرانس سران کشورها و روسای دولتهای الجزایر، لیبی، سوریه، جمهوری دموکراتیک خلق‌یمن و یاسرعرفات رهبرسازمان آزادیبخش فلسطین شرکت‌دارند. دراین کنفرانس مسائل مربوط به کشورهای عربی در زمینه اوضاعی که پس‌از امضای موافقت‌نامه‌های کمپ‌دیوید‌دراین منطقه پدید آمده است ومسائل هم‌آهنگی اقدامات وکوشش های کشورهای جبهه پایداری در برابر ادامه تجاوز اسرائیل ونیز مبارزه علیه‌امپریالیسم آمریکا ورژیم خیانت پیشه سادات، که به‌ژاندارم امپریالیسم درمنطقه تبدیل‌شده است، مورد بحث و بررسی قرارمیگیرد.

پی‌آمدهای تجاوز اسرائیل علیه کشورهای عرب و اشغال سرزمین‌های این کشورها همچنان درجهان عرب و منطقه خاور نزدیك، کانون اصلی بی‌ثباتی وتشنج‌را تشکیل میدهد وعمده‌ترین عامل منفی علیه‌استقلال وامنیت‌خلقهای کشورهای عربی ومحرومیت خلق عرب فلسطین از حقوق عادلانه داشتن سرزمین ودولت مستقل وپایان بخشیدن به جنگ ویرانگر دراین منطقه است.

بدنبال خودسری‌های گستاخانه اسرائیل ازتمکین در برابر قطعنامه‌های‌شورای‌امنیت سازمان ملل‌متحد، که‌بازتابی ازخواست عادلانه‌اکثریت قریب به‌اتفاق دول‌وخلقهای جهان‌برای پایان دادن به‌جنگهای‌تجاوزی وتخلیه‌سرزمین‌های عربی اشغال شده ازجانب اسرائیل بود، وخیانت‌رژیم سادات به‌آرمانهای خلقهای عرب‌وبویژه خلق‌عرب‌فلسطین که بااامضای موافقت نامه‌های‌کمپ دیوید متجلی گردید، حل‌و فصل مسالمت‌آمیز وعادلانه بحران خاور نزدیك درمسیر بغرنج وپیچیده‌ای قرارگرفت وجبهه‌متحد پایداری‌دربرابر تجاوز اسرائیل وحامی و شریك مستقیم تجاوزکاری آن امپریالیسم‌آمریکا روبه‌ضعف نهاد. اگر تاقبل‌از انعقاد موافقت‌نامه‌های‌کمپ‌دیوید اکثریت قریب به‌اتفاق‌کشورهای عربی، برغم ارتباطات متفاوت خود با آمریکا، در مسئله همبستگی باکشورهای عربی موردتجاوز وخلق عرب‌فلسطین و محکوم‌کردن سیاست تجاوزگرانه اسرائیل و پشتیبانی امپریالیسم‌آمریکاازین‌تجاوز وحدت‌نظرداشتند، پس‌ازانعقاد این موافقت‌نامه‌ها وبدنبال‌آن تحت‌تأثیرتحولات ژرفی‌که یکی پس‌از دیگری دراین منطقه روی داد، این وحدت‌نظر متزلزل‌گردید و رژیمهای وابسته به‌امپریالیسم آمریکا و رژیمهائیکه‌این تحولات را باسرنوشت خودسازگارنمیدیدند به‌سوی اتخاذ مواضع بی‌تفاوتی نسبت به‌این بحران‌گرایش یافتند.

اتخاذمواضع‌پیگیرویاپایداری‌قاطعانه‌دولت‌های‌سوریه، الجزایر، جمهوری دمکراتیك خلق یمن وسازمان آزادی‌بخش‌فلسطین از یکسو، پیروزی انقلاب دمکراتیك در افغانستان و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، که بزرگترین‌ضربه را برمواضع سیاسی‌واقتصادی و نظامی امپریالیسم‌آمریکا درسراسرمنطقه وارد آورد ازسوی دیگر وبدنبال‌آن سیاست اصولی‌وقاطعانه جمهوری اسلامی‌ایران درقطع روابط با رژیم خیانت‌پیشه سادات وتحریم اسرائیل تجاوزکار، گرایش رژیمهای دست‌نشانده درکشورهای عربی را بسوی تحکیم وتقویت وابستگیهای سیاسی‌ونظامی‌خود با امپریالیسم‌آمریکا تشدیدکرد وهمبستگی‌این رژیمها را با مبارزات حق‌طلبانه‌کشورهای عربی‌مورد تجاوز اسرائیل و خلق عرب فلسطین تضعیف نمود. بدین ترتیب در جبهه پایداری ومقاومت دربرابر تجاوز اسرائیل وامپریالیسم آمریکا مرزبندی مشخص‌تری برمبنای وابستگی‌واستقلال‌و عدم وابستگی رژیمها به امپریالیسم آمریکا در منطقه پدید آمد.

رژیم بعثی عراق با اتخاذ مواضع تك‌روانه خوددر این بحران، عملا در جبهه‌کشورهای وابسته به امپریالیسم آمریکا قرارگرفت، که با اقدامات تجاوزگرانه‌کنونی خود علیه جمهوری اسلامی‌ایران راه همکاری عملی با اسرائیل، رژیم خیانت‌پیشه سادات و امپریالیسم آمریکا را برگزیده است.

درچنین شرایطی، تشکیل کنفرانس سران دول و کشورهای عضو جبهه پایداری در طرابلس، اقدامیست که به‌تحکیم وتقویت‌این‌جبهه، که‌برپایه مواضع‌ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی دول عضوآن تشکیل یافته، مساعدت‌میکند. تشکیل این‌کنفرانس درعین‌حال نمایانگر آنست‌که تنها درصورتی میتوان علیه امپریالیسم مواضعی اصولی‌وانقلابی اتخاذکرد وبه‌مبارزه قاطعانه وپیگیرپرداخت، که‌مرزبندی میان نیروهای اصیل ضدامپریالیستی ونیروهای وابسته به امپریالیسم جه‌درمقیاس منطقه وجه بمقیاس جهانی، بطور مشخص روشن شود.

کشورهای عضو جبهه پایداری و مقاومت وسازمان آزادیبخش فلسطین، چه در مجموع خود بصورت جبهه در برابر تجاوز اسرائیل وامپریالیسم آمریکا، وچه در روابط خود درعرصه بین‌المللی، ازکمکها و پشتیبانی همه‌جانبه اتحاد شوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی، از پشتیبانی معنوی همه‌دول مستقل ملی واحزاب کمونیست وکارگری و جنبشهای رهائی‌بخش برخوردارند، وسران این کشورها و ازجمله رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین، بارها در اظهارات خود، این‌کمك‌وپشتیبانی‌راعامل مؤثرونیرومندی برای مبارزات حق‌طلبانه خودعلیه تجاوز اسرائیل‌ومبارزه علیه امپریالیسم آمریکا توصیف کرده‌اند.

پیروزی انقلاب شکوهمند ایران بدون تردید بزرگترین ومهمترین عامل تقویت‌کننده مواضع دول و نیروهای ضدامپریالیستی درمنطقه و جبهه ملی پایداری و مقاومت‌کشورهای عربی بشمار میآید.

امروزکه جمهوری اسلامی ایران درگیر مبارزه‌ای بی‌امان باامپریالیسم آمریکا ورژیمهای خدمتگزار آن در منطقه است، بااستحکام وگسترش همه‌جانبه روابط خود با کشورهای‌عضوجبهه پایداری‌میتواند درتقویت این‌جبهه ودر عین‌حال تقویت مواضع خوددرمبارزه علیه‌امپریالیسم‌آمریکا گامهای مؤثری بردارد وروابط بین‌المللی خود رابرمبنای اصولی مرزبندی میان نیروهای ضدامپریالیستی‌ونیروهای امپریالیستی ووابسته به‌آن، هم‌درمقیاس منطقه‌وهم‌درمقیاس جهانی، مشخص واستوار سازد.

کمیته‌ملی‌المپیك‌انگلستان باشرکت دربازیهای المپیك مسکو موافق است

کمیته ملی‌المپیك‌انگلستان اعلام‌کردکه ورزشکاران‌انگلیسی دربازیهای المپیك مسکوشرکت خواهندکرد.

«سردنین‌فالوز» رئیس‌کمیته المپیك انگلستان اظهار داشت که تحریم بازی های المپیك مسکو توسط کمیتهٔ ملی‌المپیك آمریکا بسیارشگفت‌انگیزوناراحت کننده بود.

وی‌گفت، کمیتهٔ‌ملی المپیك انگلستان تصمیم گرفته‌است، علیرغم‌نظرخانم «مارگارت‌تاچر» نخست‌وزیر این‌کشور، ورزشکاران خودرا دربیست‌ودومین دورهٔ‌بازی های المپیك در مسکو، شرکت دهد.

حسین شاه‌حسینی:

شرکت ایران دربازیهای المپیك مسکو مجدداً مورد رسیدگی قرارمیگیرد

حسین شاه حسینی رئیس‌کمیتهٔ المپیك ایران در گفتگویی با خبرگزاری پارس گفت،

«موضوع حضور یا عدم حضور ایران در بازیهای المپیك مسکو با توجه به توضیحاتی‌که ازسوی‌کمیتهٔ ملی‌المپیك ایران و سازمان تربیت‌بدنی به مقامات مملکتی داده شده، قراراست‌مجدداً درشورای انقلاب مطرح ومورد رسیدگی قرارگیرد.

شاه‌حسینی‌افزود، پیش ازطرح مجدد مسأله تجدیدنظربرای حضورایران دربازیهای المپیك مسکو، تلاش‌میکنیم، ملاقات‌ها و گفتگوهای‌خود را بااعضاء شورای‌انقلاب درمورد اعزام‌ورزشکاران ایران به بازی‌های المپیك مسکوادامه دهیم.

رئیس‌کمیتهٔ ملی‌المپیك ایران گفت، ازآنجائی‌که همهٔ اقدامات‌کمیتهٔ ملی‌المپیك ایران برای حضورشایسته در بازی‌های المپیك مسکوازمدت‌ها پیش آغازشده‌است وحتی بودجهٔ لازم‌برای شرکت ایران دراین بازی‌ها تعیین وتصویب شده و نیز تلاش‌های سازمان تربیت‌بدنی‌ایران در تجدیدنظر تصمیم شورای انقلاب در مورد شرکت ایران دربازی‌های المپیك با مقامات مملکتی‌بی‌ثمر نبوده‌است، ازاین‌رو اردوی ورزشکاران اعزامی ایران به بازیهای المپیك مسکو تعطیل نخواهد شد وورزشکاران ایران همچنان در اردوی آمادگی‌خواهندبود ودیدارهای‌تدارکاتی‌نیزبرای‌آماده‌سازی ورزشکاران ایرانی‌در راه حضور هرچه بهتر‌ایران درالمپیك‌مسکو خواهد شد.

نظر آیت‌الله منتظری...

واین نظرآیت‌اله منتظری‌کاملا درست است. درشرایطی‌که مسأله عمده واساسی‌که دربرابرانقلاب ما وخلق‌ما قراردارد، خطر محاصره اقتصادی وتجاوزنظامی‌امپریالیسم‌آمریکا برضد میهن ماست، طرح مسائل‌فرعی وقابل بحث آیا جز منحرف‌کردن افکار عمومی‌ازاین‌مسأله عمده واساسی چیزدیگری هست؟ وآیا انحراف نظربه سود دشمن‌اصلی‌انقلاب ما وخلق ما، شیطان بزرگ‌آمریکا تمام‌نمیشود؟درشرایطی‌که‌نه‌فقط‌درداخل، بلکه درخارج ازکشورنیز باید تمام نیروهای ضدامپریالیستی را به‌پشتیبانی ازمبارزه‌عادلانه مردم ایران علیه‌امپریالیسم‌آمریکا بسیج‌کرد، آیا این اقدام‌بمنزله کشودن جبهه‌ای نه در این راستا، و نهایتاً در تضعیف قدرت آتش ما، نخواهد بود؟

براستی‌که در موقعیت خطیرکنونی نه ناگزیر، که موظف و مسئولیم، با چشم‌های‌گشاده و دلی بیدار چشم از خصم غدار، امپریالیسم‌امریکا، برنگیریم. دشمن‌سخت‌گرم‌فتنه‌انگیزی‌است، جبهه‌ها آراسته است، ونیروهای خویش را در چهارسو به‌یاری گرفته است و این خودهشیاری مضاعفی می‌طلبد. ما صد البته حق نداریم‌باپای خویش بسوی برانیم‌که از توان رزمنده خویش، علیرغم نیت‌ها، بکاهیم. **امام‌خمینی** درپیام‌تاریخی خویش‌بمناسبت سالروزاستقرار جمهوری اسلامی ایران براین مهم بدرستی تاکید داشتندوبرماست که‌آگاهانه نیروهای خویش را یکسوکنیم وچون تنی واحدبرابر امپریالیسم‌آمریکا ـ این‌دشمن‌دغلکار ونیرنگ‌باز ـ بایستیم.

بدیهی است دراین‌نبرد مسأتنها نیستیم. اردوی پرتوان انقلاب‌جهانی واز جمله‌جنبش‌های رهایی‌بخش‌منطقه باماهمگام‌اند وخلق‌های‌کشورهای عربی در میان نیروهای متحد انقلاب‌ما، جای ویژه‌ای دارند.

کشورهای ترقی‌خواه عرب ازآغاز جنبش انقلابی‌میهن‌ما، همواره درکنارما وهمچون‌ما باامپریالیسم آمریکا درنبردی‌بی‌امان درگیرند. خلق‌های‌عرب دربرابر مزدوران محلی‌امپریالیسم‌آمریکا وصهیونیسم ازجمله سادات خائن وطرح‌های تسلیم‌طلبانه‌ای نظیر کمپ‌دیوید، درجبهه پایداری متحد شده‌اند. پیروزی آنان، پیروزی ماست وهمدردی باآنان بمفهوم‌گسترش منطقی وضرورجبهه‌انقلابی منطقه است. چه‌چیز می‌تواند بیش‌از رویارویی وتیرگی مناسبات انقلابیون ایرانی وعربی ازجمله تیرگی روابط‌باکشور ضد امپریالیستی لیبی، دشمن‌مشترك را دلشادکند و برخیره سری هایش بیافزاید؟هوشیاری انقلابی شخصیت‌های‌روحانی ایران‌بازتاب‌همین ضرورت روز وهمین نیازمبرم‌مبارزه ضدامپریالیستی است. بکمك دشمن‌نشانفتن بهترین‌جلوه عزم راسخ انقلابی وهوشیاری ماست. براتحاد انقلابی‌خویش‌باهمه نیروهای ضدامپریالیست وترقی‌خواه

تاکتیك انقلاب و ضدانقلاب...

بقیه ازصفحه ۱

ـ خلق کرد با تمام امکان از موجودیت و تمامیت ارضی‌و استقلال ایران دفاع و حمایت بیدریغ مبذول خواهد داشت.

ـ خلق کرد تحریکات و تجاوزات و مسلح کردن افراد توسط حکومت فاشیستی شوینیستی عراق که علیه ایران صورت میگیرد، محکوم و جهت دفاع از خاك‌میهن آماده مقابله با هرگونه تجاوزی می‌باشند.

ـ خلق کرد اخراج و آواره‌کردن افراد بیگناه و بیدفاع را به‌بهانه ایرانی بودن، که اخیرا از طرف‌حکومت بعث عراق‌صورت گرفته، تقبیح و آنرا عملی مباین با اصول انسانی و قوانین و اخلاق ملی و بین‌المللی میداند.»

در مقابل این روش منطقی و صحیح و منطبق با مصالح‌انقلاب ایران، ضدانقلاب و عوامل بعث عراق به تاکتیك‌های دیگری دست زده‌اند. اینان که خود از وابستگان به سیاست بعث عراق هستند و این رژیم منبع مالی و تسلیحاتی تحریکات و توطئه‌های آنانرا تشکیل میدهد، در مقابل افشای توطئه‌های رژیم بعثی عراق و برانگیخته شدن خشم توده‌های مردم، از جمله خلق کرد، علیه آن، روش دیگری در پیش گرفته‌اند.

آنان ظاهرا عراق را محکوم میکنند! (فقط عراق را!)، اما (و تمام مساله در همین «اما» نهفته است)، مقابله با تحریکات رژیم عراق را هم محکوم میکنند!

نمونه برجسته تئوری‌بافیهای عناصر ضدانقلاب و وابستگان آشکار و نهان به رژیم بعثی عراق و امپریالیسم آمریکا، گروهك ضدانقلابی کومله است.

این گروهك، که خود سراپا و در تمام تاروپود خویش نشان از رژیم بعثی عراق دارد و در ابتدای‌پیروزی انقلاب، با اتکاء به کمکهای مالی و تسلیحاتی این رژیم ضدخلقی با تمام قوا جنگ برادرکشی را در کردستان تدارك دیده و تحریك کرده و در راه هرگونه گرایش به حل مسالمت‌آمیز مساله کردستان، همراه با تامین حقوق حقه خلق کرد، به سنگ‌اندازی و کارشکنی اشتغال داشته است، گروهکی که بجای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، مبارزه با حزب توده ایران و دیگر نیروهای سالم، مترقی وانقلابی را هدف خود قرا رداده است و درنشریه «مخفی تئوریك» خویش، بصراحت اعلام کرده است:

«ادامه جنبش (منظور جنگ برادرکشی است) در شرایط کنونی حتما منجر به سرنگونی رژیم خمینی میشد... از طرفی رژیمی طرفدار آمریکا برسر کار می‌آمد.»

در شرایط‌جدید نیز هدفی‌درست‌متناسب با اهداف‌امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق در پیش گرفته است.

کومله، در ارتباط با حوادث اخیرو جهت توجیه «تئوریك» اهداف ضدانقلاب در کردستان بیانیه‌ای منتشر ساخته است. در این بیانیه ۱۱ صفحه‌ای، حتی کلمه‌ای نیز در محکوم کردن امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های آن علیه انقلاب ایران بچشم نمی‌خورد! بخش عمده بیانیه به یکپارچه کردن، ضدخلقی نامیدن و محکوم کردن حکومت ایران اختصاص دارد، آنهم زمانیکه امپریالیسم آمریکا به این حکومت اعلان جنگ آشکار داده‌است!

در تمامی بیانیه، که تیتر آن چنین است: «توطئه‌های جنگ‌افروزانه هیئت‌های حاکمه ارتجاعی ایران و عراق‌را، که در جهت سرکوب زحمتکشان و خلقهای دو کشور است، خنثی کنیم»، تنها یك‌جا از آمریکانام‌برده شده است، آنهم در این‌عبارت‌شگفت‌انگیز:

«درواقع امروزه هر تضاد با حکومت آمریکا، هر تضاد با بعث عراق، در دست هیئت حاکمه، به چماقی برای سرکوب توده‌های مردم ایران تبدیل میشود»! (ص ۷)

بدینسان به عقیده این گروهك ضدانقلابی، تضاد مردم‌ایران با حکومت آمریکا، تضاد خلقها ی‌ایران با سیاستهای غارتگرانه، جنایتکارانه و امپریالیستی این حکومت نیست، تضاد با جلادان مردم‌ایران، که برای بازگرداندن روزگار «خوش» گذشته خلق ایران را به هرگونه جنایتی تهدید کرده‌اند، نیست، تضاد با دشمنان انقلاب ایران، که میلیاردها دلار ثروت ایران را به‌غارت برده‌اند و از ایران‌یك کشور ویران ساخته‌اند و هم‌اکنون نیز از توطئه علیه آن فروگذار نمی‌کنند، نیست، تضاد با جنایتکاران قرن، که کومله را مسلح و تجهیز می‌کنند، تضاد با شاه‌مخلوع، بختیارها، اویسی‌ها و پالیزبانها که برای نابود کردن دستاوردهای انقلاب ایران‌و کشتار هزارهاو صدها هزار نفر دیگر از مردم رنجدیده کشور ما و ایجاد جنگهای برادرکشی، آماده و مجهز می‌شوند، نیست، بلکه «تضاد ما با آمریکا» تنها بهانه‌ایست برای فریب مردم!

اما واقعیت آنست که امپریالیسم آمریکا توطئه میکند، رژیم بعث عراق توطئه میکند و تئوری‌بافی تنها، علاج درد کومله‌نیست. یورش و تجاوز ارتش عراق به‌ایران و جنگ‌افروزی‌های آن یك واقعیت است. عراق هم‌اکنون به کشور ما تجاوز کرده و با توپ و راکت به روستاهای ایران حمله‌کرده است. موضع کومله در قبال این مساله آنست که: باید با تمام قوا در مقابل ارتش‌ایران ایستاد!

کومله میگوید:

«هیئت حاکمه ایران با تمام وسائل مادی و تبلیغاتی که‌دارد، زمینه روانی را برای یك جنگ که بتواند ازطریق آن خلق کرد و زحمتکشان ایران را سرکوب نماید، آماده می‌کند» (بعثی عراق

خطرضدانقلاب...

بقیه ازصفحه ۱

دولت‌کارتر و تجاوز ارتش عراق بایران (چنانکه‌برژینسکی‌مشاور امنیتی کارتر صریحاً گفته است) بهانه‌ای برای دخالت‌بعدی‌دولت آمریکا بشود.

انتخاب‌خوزستان‌باین‌منظور ازسوی امپریالیستهای امریکانیز بهیچوجه تصادفی نیست. منابع نفت این استان‌دارای‌اهمیت‌خاص است. ازیکسومحروم‌کردن‌ایران ازاین منابع لطمه جدی‌به‌ایران وانقلاب‌آن وارد میکند. ازسوی دیگر تصاحب این منابع بوسیله امپریالیسم آمریکا، که آرزوی دیرینه این جهانخوار است، سبب تقویت نیروهای ضدانقلاب در جهان، درمنطقه (بویژه‌صهیونیسم) و در ایران میشود. در عین‌حال موقعیت جغرافیائی‌واستراتژیکی خوزستان (در مجاورت‌کشورهای عربی‌که اغلب‌روابطشان‌باایران دوستانه نیست) برای وارد‌کردن ضربه‌جدی بایران وانقلاب آن‌از سوی امپریالیسم مناسب‌تر بنظر میرسد، بطوریکه‌درهشدارما آمده است امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی ودرباریهلوی دردوران حکومت دکترمصدق‌هم چنین نقشه‌ای را طرح کرده بودند. آنها درنظرداشتند‌درصورت‌عدم‌موفقیت کودتا درتهران، دولت زاهدی‌را درخوزستان تشکیل دهند وسپس دولت‌آمریکاآنرابرسمیت‌بشناسد. مقدمه اینکار راهم روز ۲۶ مراد تدارك دیده بودند. سفیر آمریکا هنددرسن باکمال بیشرمی به‌دکتر مصدق‌گفته بودکه دولت‌آمریکا دیگر نمیتواند حکومت اورا برسمیت بشناسد درعین‌حال،هم‌او به‌کودتاچیان خبرداده بودکه آمریکا دولت زاهدی را دولت قانونی ایران میشناسد.

اکنون نیز نظیرآن نقشه خطرناك تدارك‌دیده شده‌ومراحل مقدماتی‌آن پیاده میشود. ادعای ارضی‌رژیم بعثی عراق نسبت به جزایرایران در خلیج‌فارس و درگیریهای مرزی که این رژیم ضدخلقی ایجاد میکند، مقدمات اجرای‌توطئه‌گسترده وخطرناکتری علیه انقلاب ایران است. تجمع پس‌مانده‌های رژیم سابق، یعنی عناصرساواکی وضدانقلابی‌دراین منطقه نیزبخشی دیگراز تدارك مقدمات اجرای این‌نقشه است‌که میتواند پیامدهای خطرناکی برای‌مبارزه‌تاریخی‌وسرنوشت‌ساز خلق ما علیه تسلط امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، داشته باشد.

در این شرایط بسیارحساس، حزب ما همه خلق، همه‌نیروهای انقلابی، همه مقامات مسئول‌دولت جمهوری اسلامی ایران را به هشیاری، اتحاد وقاطعیت انقلابی دربرابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، ضدانقلاب داخلی ورژیم بعثی عراق فراخوانده است. این نقشه جدید امپریالیسم‌آمریکا نیزمیتواند وباید با بسیج همه نیروهای خلق، همه نهادهای انقلابی وارگانهای دولتی‌درخط ضدامپریالیستی‌وخلقی‌رهبرانقلاب امام‌خمینی نقش برآب شود.

«جنگ‌افروزی‌های هیئت حاکمه عوامفریب ایران بخاطر دفاع از دستاوردهای مبارزاتی شما نیست.» (خطاب به توده‌های مردم ایران»، ص ۸)

یعنی امپریالیسم آمریکا و عراق و کومله جنگ‌افروزی نمی‌کنند، این هیئت حاکمه عوامفریب ایران است که...»

«مبارزه با عراق»، «بهانه» است. (ص ۸)

«جنگی که آنها راه میاندازند، جنگی است... غیر عادلانه و غیرقابل پشتیبانی.» (ص ٤)

اما عراق پشت دروازه‌های ایران است. بختیار درعراق است. توطئه‌ها بالا میگیرد. تحریکات شدت می‌یابد. چه باید کرد؟کومله پاسخ میدهد:

باید «از خلقهای این کشورها بر علیه هیئت حاکمه جنگ‌افروز ارتجاعیشان دفاع کنیم»!

این سخن کومله خطاب به مردم ایران و عراق است و از آنجا که کومله خود در ایران مبارزه‌می‌کند،طبیعتاوظیفه «مبارزه علیه هیئت حاکمه ایران» را برعهده خود قرار داده است.

دو خط مشی ذکر شده، بوضوح در مقابل یکدیگر قرار دارند. یکی توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق را قاطعانه محکوم میکند، آمادگی خود را برای مبارزه متحد علیه این دشمنان انقلاب ایران اعلام می‌دارد و از همه دعوت میکند که این تلاشهای‌خائنانه را در نطفه خفه کنند. و دیگری امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج میسازد، تضاد خلق ایران را باآن «بهانه» وانمود می‌کند و اعلام میدارد که آماده است هم‌آوا و متحد با رژیم بعثی عراق و عمال امپریالیسم آمریکا علیه حکومت ایران به مقابله‌برخیزد.

از این دو خط‌مشی، یکی خط مشی انقلاب و دیگری خط‌مشی ضدانقلاب است.

بر نیروهای مترقی و انقلابی کردستان است که در جبهه متحدی گردآیند، همگی‌رابدان فراخوانند ودرمقابل ضد انقلاب و عمال امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق و عمال آنها قاطعانه بایستند و توطئه‌های آنانرا قاطعانه سرکوب کنند.

ضدانقلاب نمی‌تواند متحد انقلاب باشد. برای سلامت انقلاب و گسترش دستاوردهای آن باید ایندو خط را از یکدیگر جدا ساخت و قاطعانه چشم در چشم دشمن دوخت.

نیروهای‌مترقی و انقلابی خلق کرد نیز جز در چنین صورتی نمی‌توانند در اتحاد مستحکم با دیگر خلقهای ایران، توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدین آنان [illegible]

دراوج جنایات

بقیه ازصفحه ۱

افغانستان کنفرانس تشکیل‌میدهد وسراسیمه «واسطه» معروفش آقا شاهی را به دربار مرتجعان و خونخواران‌میفرستد، نه‌تنهاسکوت کرده، بلکه تلویحا رضایت‌خود را ازاین فجایع اعلام میدارد. او یکی از سرهای زنجیره بزرگ ظلم و ستم برتوده‌ها و حمایت از امپریالیسم آمریکا درلوای‌اسلام است. همراه او، همه آن‌ها که برای «مسلمانان» افغانستان‌سینه‌چاك میدادند، زبان درحلقوم‌کشیده‌اند.

فرمانده‌کل «مسلمان‌دوستان»، که آقای کارتر به نمایندگی از امپریالیسم آمریکاباشد، فرمان این‌جنایات راصادر کرد. و یك دورتسبیح نوکران او به تأئید سرفرود آورده‌اند. کجاست **نمیری؟ سادات** چه‌می گوید؛ از **قابوس** چراخبری نیست؛ **پینوشه** چرا خفقان گرفته است؛ **چین** چرا لال‌شده است؟ **ژاپن‌وفرانسه وانگلیس‌وآلمان‌غربی**‌چرازبان درکام کشیده‌اند؛ **ملك حسن و ملك حسین وملك خالد** کدام گوری‌هستند؟

راستی «آقایان» که اینهمه برای «مسلمانان» افغانستان یقه میدریدند، کجاهستند؟ آیا خلق های‌ایران‌وعراق مسلمان‌نیستند؟ نکندفقط «مبارزان» افغانستان مسلمان‌هستند وبس!

«آقایان» که‌بسرعت کنفرانس پاکستان‌رابرپاکردند وبه«دفاع» از «مسلمانان» افغانستان برخاستند، چرا حالا تکانی نمی‌خورند، چرا حرارتی نشان نمی‌دهند؟

کنفرانس پاکستان، اگر براستی «اسلامی» بود، چرادوباره تشکیل نمی‌شود؟

پاسخ این پرسش‌برای ما روشن است. آن «آقایان» برای «اسلام آمریکایی» کنفرانس تشکیل‌میدهند. اسلام‌ضدامریکایی **امام‌خمینی** به‌نظر آقایان قابل دفاع نیست!

براستی‌هم که انقلاب‌ایران واسلام **امام‌خمینی** نیازی‌بدفاع آن «ارواح خبیثه» ندارد.

توضیح

۲ شرح عکس، مربوط به مطلب «المپیك»، مظهری از ...» در صفحه ۳ شماره امروز، جابجا شده‌که قطعاً خوانندگان گرامی متوجه خواهند شد. پوزش ما را بپذیرید.

آیت‌الله خسروشاهی در سمینار سالانه مسکن:

همه‌محرومین‌ومستضعفین باید صاحب خانه شوند

همه‌محرومان‌ومستضعفین‌باید صاحب‌خانه‌شوند...درشرع مقدس اسلام مسئله مسکن همیشه‌درردیف مسئله‌غذا ولباس است چنان‌چه اگرشخصی بدهکارباشد، طلبکاران اوحق‌دارند غیراز لباس،مسکن‌و غذا تمام اموال اوراضبط‌نمایند، پس‌تصدیق خواهیدکردکه‌مسکن ضرورت اولیه بشراست وبهرفرد مسلمان واجب است‌که برای مسلمانان بی‌مسکن، مسکن‌تهیه نماید...

درزمان دولت موقت گذشته مشکلات زیادی برای‌ما فراهم آوردندکه خوشبختانه بعدازرفتن دولت‌موقت‌ما به‌فعالیت خودشدیداً ادامه دادیم.

www.iran-archive.com

۱۶ نفر درانفجار بمب کشته و مجروح شدند

۱۶ نفر در انفجار بمب در پاساژ کویتی های آبادان کشته و مجروح شدند.

بدنبال یکسری انفجار برروی خطوط لوله‌نفت خوزستان‌ومناطق دیگر، که حاکی ازفعالیت وسیع و دامنه‌دار ضد انقلاب و دارو ـ دسته‌های وابسته به رژیم بعثی عراق و ساواکی ها است، روز پنجشنبه ۲۱ فروردین ماه نیز بمبی در ساعت ۵ و ۴۰ دقیقه بعدازظهر در داخل پاساژ بازار کویتی های آبادان منفجر شد، که در اثر آن یك کودك کشته وبیش از ۱۵ نفر دیگر زخمی شدند.

لحظاتی پس‌از انفجار، مامورین آتش‌نشانی، شهربانی و سپاه پاسداران در محل حاضر وموفق به کشف و خنثی کردن بمب دیگری در نزدیکی سینما متروپل شدند.

این انفجار سبب فروریختن قسمتی از سقف بازار و شکسته شدن شیشه های‌مغازه های‌اطراف شد. مردمی که در محل حادثه ازدحام کرده بودند،عاملین‌انفجار را مزدوران رژیم بعثی عراق و عوامل امپریالیسم‌آمریکادانستند.

در همین روز در ساعت ۸بعد از ظهر، مردی که در حال بمب‌گذاری در منطقه حوض‌ابوالحسن بود، براثر انفجار بمب از ناحیه دست بشدت مجروح شد. این شخص هم‌اکنون در بیمارستان بستری است. مامورینی که پس از این حادثه در محل حاضرشده بودند، بمب دیگری را که در نزدیکی محل واقعه کار گذاشته شده بود، کشف‌و خنثی کردند.

قاچاق دام‌های ایران به عراق

دولت بعثی عراق برای خرابکاری درایران دست به‌توطئه جدیدی زده، که عبارت از خرید احشام ودام‌های ایرانی به قیمتی بالاتر ازحد معمول‌است.

براساس‌اطلاع رسیده، مدتی است‌که هرروزه ماشین‌های‌زیادی مملوازاحشام به‌سوی عراق روانه می‌شود. میزان صدوراین‌دام‌ها دو روز درهفته‌که بازار فروش احشام دربوکان ونزدیکی مهاباد تشکیل‌می‌شود به بیشترین حد خود میرسد. بطوری‌که دراین‌دو روزحدود ۴۰ماشین‌حامل احشام به طرف مرزحرکت میکنند. نقاط خروجی این ماشین‌ها عبارت از «مریوان، پاوا، باشماغ» و«سقز سرشیو» هستند. در روزهای معمولی نیز بطور متوسط ۱۰ ماشین حامل‌احشام ازسقز به‌سوی مرزایران وعراق می‌روند. هر کدام ازاین‌ماشین‌ها حدود۲۰ رأس حیوان حمل میکنند که ماهیانه ۹هزار رأس‌می‌شود.

تا پیش از این، عده‌ای از کردهای عراقی که‌درخدمت‌دولت بعث هستند، امر حمل‌ونقل این احشام را به عهده داشتند، ولی اخیراً سودجویان ودلالان داخلی احشام را تا مرزحمل می‌کنند و درآنجا به مأمورین بعث تحویل می‌دهند.

حکومت بعثی عراق برای تشویق این سودجویان قیمت گوشت حیوانی‌را به میزان ۱۰ تومان بالا برده است، بطوری‌که گوشت‌گاو زنده تا کیلوئی ۶۵ تومان وگوسفند تا ۸۰ تومان خریداری می‌شود.

دولت بعثی‌عراق با کمك این سودجویان، همچنین مقدار زیادی چوب ساختمان به عراق قاچاق‌کرده ومیکند.

رویدادهای ایران

تحریك‌وخرابکاری‌مائوئیست‌ها

در شرایطی که خلق برای مبارزه بادشمن اصلی خود ـ آمریکای خونخوار ـ به‌اتحاد نیاز دارد، مائوئیست‌ها باجدیت تمام درکار تحریك وخرابکاری‌هستند.

روزگذشته نزدیك به ۱۰۰ کارگر پیکار، که‌توسط‌مائوئیستهای «پیکار» سازمان داده شده بودند، برای درخواست کار به‌وزارت‌کار رفتند. درآنجا نماینده‌آنها با وزیرکار وامورا‌جتماعی گفت‌وگو کرد وگفت، به‌ما‌پیشنهاد کرده‌اند که‌درقزوین‌یامناطق‌دیگرمیتوانید بکارمشغول شوید.

اما به تحریك مائوئیست‌ها بااین پیشنهاد، که می‌توانست کارگران پیکارواقعی‌را صاحب‌کار کند،مخالفت‌واعلام‌شد که‌کارگران فقط خواستارکار درتهران هستند بعداً اعلام شد که آنها تارسیدگی به‌حل مشکلشان در محوطه سالن وزارت‌کار باقی خواهند ماند.

عوامل تحریك‌کننده، آنها را تشویق کردند که وارد محوطه سالن شوند وبرای اینکار یکی‌از شیشه‌های درورودی شکسته شد. بعداز ورود به‌سالن، به‌تحریك مائوئیست‌ها درها بسته شد و از خروج کارمندان جلوگیری شد.

براساس آخرین اطلاعات رسیده، برخی ازمسئولان وزارت کارهم توسط مائوئیست‌ها مضروب شده‌اند.

رشوه‌گیری وفرار رئیس کمیته گرمن

ملاحیدر رضوانی، یکی از روحانی‌نمایان شهرستان گرمن (مرکز فرمانداری دشت مغان) پس از اخذ ۴۰ میلیون ریال رشوه از فئودال‌ها و خوانین‌دشت مغان به «سویس» فرار کرد.

ملاحیدر رضوانی تا پیش از فرار رئیس کمیته‌شهرستان‌گرمن بود و اینك نیز در غیبت او، پسرش‌رئیس‌سپاه پاسداران است.

فرار ملاحیدر رضوانی، پس‌از آگاهی نماینده امام خمینی از وضع و ارتباطات وی و صدور حکم جلب او صورت گرفت.

انجمن ملی دانشجویان، نام دیگر گروهك رنجبر (سازمان انقلابی‌سابق)

گروهك مائوئیستی رنجبر (سازمان انقلابی‌سابق) مدتی‌است که تحت‌عنوان «انجمن ملی دانشجویان» در دانشگاه ها فعالیت ضدانقلابی می‌کند.

اعضاء این گروهك که سعی در انحراف مسیر مبارزات ضد امپریالیستی مردم دارند،اخیراد‌ریکی‌ازدانشگاه ها،نمایشگاهی در موردافغانستان برپا کردند. این نمایشگاه که دقیقا در جهت جمایت از فعالیت عوامل وابسته‌به آمریکا در افغانستان‌بود،به‌علت اعتراض دانشجویان این دانشگاه در همان روز اول تعطیل شد. البته این کار موجب دلسردی اعضاء گروهك مذکور نشد، زیرا ضد انقلاب تا آخرین نفس برای حفظ منافع خودواربابانش‌مبارزه می‌کند.

هشدار درموردوضع متشنج «درود»

فعالیت گسترده فئودال‌ها و عوامل ضد انقلاب وضع‌بسیار متشنجی در «درود» بوجودآورده است. مادرمورد وضع درودبازهم به‌مسئولین هشدار میدهم وازآنها می‌خواهیم که با برخوردی انقلابی‌به‌جای پرداختن به‌مسائل فرعی وشخصی، دست ضدانقلاب را از این منطقه کوتاه کنند.

به‌دنبال درگیری های اخیر «درود» که‌منجر به‌شهادت،مجروح شدن ودستگیری چندین نفر شد، عوامل ضدانقلاب وفئودال‌های منطقه درود، با استفاده‌از فرصت، میدان عمل‌خودرا گسترش‌داده‌اند وبه‌جو متشنج شهر دامن میزنند. پاسداران غیر بومی نیز، که جایگزین‌پاسداران‌بومی‌وطرفدار دهقانان شده‌اند، متأسفانه‌هرروز، بادستگیری افراد مختلف تحت عنوان «چپ»، برنامه‌سامانی و تشنج اوضاع می‌افزایند وزمینه‌را برای سوءاستفاده ضدانقلابیون آماده‌تر می‌کنند.

ازطرف دیگر فعالیت‌عوامل چپ‌افراطی وچپ‌نما نیزمزید بر علت‌شده وفضای‌شهر درود وضع انفجارآمیزی به‌خود گرفته‌است.

هواداران حزب‌توده ایران دردرود درمورد وضع‌این‌شهر بارها به‌مسئولین هشدار داده‌اند.ما نیز ضمن‌هشدار مجدد، ازمسئولین‌امر می‌خواهیم که‌با برخوردی انقلابی ومسئولانه دست فئودال‌ها وعوامل ضدانقلاب را ازاین منطقه‌کوتاه کنند.

ما به‌همه افراد ناآگاه نیز که‌ناخواسته به‌این ماجراکشانده شده‌اند، هشدارمیدهیم‌که دوستان ودشمنان‌واقعی رابشناسند وکاری نکنندکه بدام ضدانقلاب‌بیفتند.

اطلاعیه‌هواداران حزب توده‌ایران درخمین

● ترورناجوانمردانه را محکوم میکنیم.

هواداران حزب توده ایران درخمین، طی‌اطلاعیه‌ای ترور ناجوانمردانهٔ یکی‌از مجاهدان مبارز خمین‌را محکوم کردند. متن اطلاعیه‌چنین است:

«درشب جشن‌ملت ایران به مناسبت قطع‌رابطه سیاسی‌ایران‌و آمریکا، عوامل‌ضد انقلاب، که هرگز چشم‌دیدن سعادت و خوشی این ملت ستم کشیده را ندارند، دست‌به عمل ناجوانمردانه ترور زدند. این‌عمل باعث شهادت‌یکی از برادران مجاهد بنام «رضا حامدی»، که در طول مبارزات ضدرژیم ازچهره‌های انقلابی‌این شهربه‌حساب میآمد، شد.

ماضمن محکوم کردن این عمل غیرانسانی و ضدانقلابی از مقامات مسئول اجرائی مصراً میخواهیم که اقدام به شناسائی، دستگیری‌ومجازات‌این‌عناصر ضدانقلابی نمایند.

هواداران حزب توده‌ایران- خمین

راه‌پیمائی مردم بانه بمناسبت قطع رابطه ایران وآمریکا ومحکوم نمودن سیاستهای تجاوزکارانه عراق

درروز ۵۹/۱/۲۲ ازطرف حزب‌دمکرات کردستان ایران، سازمان مجاهدین کردستان و سازمان حزب توده‌ایران دربانه بمناسبت‌قطع‌رابطه بین‌ایران وآمریکاو بمنظورمحکوم کردن‌سیاست‌های تجاوزکارانه رژیم بعثی عراق وعوامل آن‌درمنطقه راهپیمایی بزرگی برگزار گردید.

در این راهپیمائی هزاران نفراز مردم بانه شرکت‌کردند وباشعارهای خود وحدت خلقهای ایران را علیه امپریالیسم آمریکا وصهیونیسم ورژیم‌بعثی عراق تحکیم بخشیدند.

شعارهائی‌که درراهپیمائی داده‌شد، عبارت بود:

کارترسرنگون، پرچمش واژگون

اسرائیل،آمریکا، دشمنان خلق‌ما، فلسطین ویتنام متحدخلق‌ما

کردستانی خودمختار، ایرانی‌مستقل وآزاد خواسته خلق‌کرد است.

مرگ برسه‌مفسدین، کارتر وسادات وبگین

جنایات آمریکا به‌اوج خودرسیده، سرتاسر جهان رابه‌خاك وخون‌کشیده.

درجهان سوسیالیسم چه‌میگذرد؟

ثمرات اقتصاد سوسیالیستی‌برای زحمتکشان چکسلواکی

بموجب برنامه اقتصاد ملی چکسلواکی برای سال جاری، درآمدملی آن‌کشور ۳/۷ درصد وبارآوری‌کار ۳/۳درصدافزایش خواهد یافت.

افزایش‌تولید صنعتی۴درصد ودر شاخه مهندسی ۵/۸ درصد خواهدبود. برای‌تولید کشاورزی، افزایشی در حدود ۲/۳ درصد پیش‌بینی شده است. قرار است امسال ۱۴۱ هزار خانه جدیددر جمهوری سوسیالیستی‌چکسلواکی ساخته شود.

برای تأمین‌هدفهای‌نامبرده لازم است‌که‌کارآیی اقتصاد ملی، بویژه از راه افزایش بارآوری وبهبودکیفیت تولید، ازدیادیابد. از سوی دیگر باید در مصرف سوخت، انرژی ومواد‌خام صرفه‌جوئی شود.

نتایج موفقیت‌آمیز درچهار سال‌نخست برنامه پنجساله‌کنونی مبنای مستحکم و اطمینان بخشی است برای نیل‌بهدف‌های برنامه سال‌جاری. درسال‌گذشته، درآمد ملی ۱۷ درصد افزون‌تر از رقم مشابه برای سال ۱۳۵۴ بود.در همین مدت، تولید صنعتی ۲۱ و تولیدساختمانی ۲۴درصدافزایش یافت.

باوجود نامساعد بودن هوا دردوسال متوالی، میانگین‌سالانه تولید کشاورزی‌دربرنامه‌پنجساله کنونی۷/۶ درصد بیشتر ازپیکرهٔ همانند برای‌برنامه پنجساله‌بوده است.

درچهار سال گذشته، درآمد پولی سکنه جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی تقریباً ۱۸ درصد و مصرف فردی آنها درحدود ۸/۵ درصد افزایش یافته‌است. تادهم دیماه‌سال ۱۳۵۹ ،مصرف‌اجتماعی چکسلواکی ۱۳۳میلیاردکرون، یعنی به نسبت هرشهروند چکسلواکی، ۸۷۰۰ کرون بود، که سه‌برابر میانگین دستمزد سرانه ماهانه درآن‌کشور است.

درسال‌های ۵۸ ـ ۱۳۵۵، ۵۲۳ هزار خانه‌ساخته شد.بدین ترتیب، نزدیك به۱/۵ میلیون نفر به‌خانه‌های نوسازرفتند.

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان۱۶ آذر-شماره۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
شماره تلکس:
214081 TPI IR
چاپ، کاویان

MARDOM
No. 211
15 April 1980
Price:
West — Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

شوخی نیست...

مفسر تاریخ‌دان

مفسر صدای جمهوری اسلامی ایران درساعت ۶/۳۰روز ۲۳فروردین طی‌تفسیری درمورد مصر گفت:

«زمانیکه ارتش مصر دراکتبر۷۳ درصحرای‌سینا پیشروی میکرد. شوروی صدور قطعات یدکی به مصررا قطع‌کرد و باعث متوقف‌شدن تانکهای مصرگردید... بعداً روسیه برای اینکه این خیانت خود به‌ناصر را جبران‌کند...»

برای اطلاع آقای مفسر موردبحث باید بگوئیم:

اولا: جمال‌عبدالناصر درسال ۷۳ زنده نبود ودر سال۷۰ (سه‌سال قبل) فوت‌کرده بود، بنابراین «روسیه» نمی‌توانست‌درسال ۷۳ به‌اوخیانت‌کند!

ثانیا: درسال ۷۳این‌سیاست ضدملی‌سادات‌خائن ورژیم‌های دست‌نشانده وارتجاعی عرب بودکه به‌شکست اعراب انجامید، نه اتحاد شوروی، که بساتمام قوا از اعراب در این جنگ نیز حمایت‌کرد.

ثالثا: سادات همان ناصر نیست، سادات به‌ملت‌مصرخیانت کرد وناصر رهبربزرگ ومحبوب این‌ملت بود. ناصراتحادشوروی را دوست بزرگ مصر اعلام میکرد وسادات آنرا خصم خود می‌دانست.

رابعا: این خطادا نمی‌توان بحساب اشتباه لپی‌آقای‌مفسر گذارد، مگرآنکه او به‌تلاش بیهوده‌ای برای دفاع از رژیم سادات دست زده باشد ویاخواسته باشد عطش ضد شوروی خود را تسکین داده باشد.

خامسا: درس امروز برای مفسرصدای جمهوری اسلامی ایران، سادات، سادات‌است. سادات، ناصرنیست.سادات‌خائن‌است. ناصر خادم بود. ناصر دوست شوروی‌بود. شوروی دوست ناصربود. سادات دشمن شوروی است و...

صالح‌تر از عرفات

مفسرصدای جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۶/۳۰مورخ ۲۴ فروردین، در مورد رابطهٔ اتحاد شوروی و فلسطین گفت:

«شوروی تنها در حرف از فلسطین پشتیبانی می‌کند و تا بحال هیچ اقدام جدی درکمك به‌فلسطین و علیه اسرائیل که‌واقعاً منافع آمریکا درمنطقه را بخطر بیاندازد، نکرده است.»

اما یاسرعرفات رهبرسازمان‌آزادیبخش فلسطین گفته‌است:

«در سیمای دولت شوروی،آنها (خلقهای عرب و مسلمان) دوست صدیقی دارندکه از مبارزهٔ‌آنها پشتیبانی می‌کند.» (ازپیام یاسر عرفات به‌رهبران اتحاد شوروی به‌مناسبت ۵۷ مین سالروز انقلاب اکتبر).

بنظر میرسدکه مفسرصدای جمهوری اسلامی‌ایران‌درانظهار نظرراجع به‌دوستان و دشمنان خلق فلسطین خودرااز یاسرعرفات نیز صالح‌تر میداند!

امپریالیسم، درنده‌ترین جانور تاریخ

به‌گزارش یونایتدپرس،پلیس آمریکا، بیژن‌عطائی‌آشتیانی، دانشجوی ایرانی مقیم آمریکارا متهم‌میسازدکه باکاردبه صاحبخانهٔ خود حمله‌کرده است. سپس‌اورا برای «آزمایشهای روانکاوی» تحویل‌یك مرکزپزشکی(!) میدهد تاتوانائی وی‌را برای‌بازجوئی در دادگاه بسنجد. طی‌این «آزمایشهای روانکاوی»، که‌توام باشوك الکتریکی بوده است، مشخص میشودکه وی توانائی بازجوئی در دادگاه‌را ندارد. زیرا این دانشجو هنگام «آزمایشها» فوت میکند!

به‌گزارش همین خبرگزاری امپریالیستی، دکتر اورانوس پزشك ایرانی،که جسد قربانی را دیده، گفته است‌که‌وی قربانی «جنگ تبلیغاتی» علیه ایران‌شده است!

مردم‌کشورما بااین «جنگهای تبلیغاتی» علیه مبارزان آشنائی‌کامل دارند. درواقع شاه‌جلاد ودستگاه ساواك نیز که درس «روانکاوی» رانزد اربابان خود فراگرفته بودند، باهمین شیوه‌ها مبارزان را تکه‌تکه میکردند، میسوزاندند، کباب‌میکردند، شلاق میزدند وسپس اعلام میکردند که از وسائل «روانی» استفاده میکنند.

این چهرهٔ واقعی امپریالیسم درندهٔ آمریکاست.این واقعیت «دمکراسی آمریکائی» است. اینرا مردم‌جهان ازجمله مردم‌ایران میدانند.

قبولی بی‌ثمر

در ترم دوم امتحان ورودی دانشگاهها، ازهر یك ازاستانهای مازندران، آذربایجان شرقی و...، پنجاه نفر در رشته مربی‌گری بهداشت مدارس پذیرفته شدند و اسامی آنها اعلام گردید. وقتی قبول شدگان برای ثبت نام مراجعه کردند، در هیچیك ازاستانها از آنها ثبت نام بعمل نیامد وبه آنها گفته شد:

«چون مربیان بهداشت مدارس مشمرثمر نیستند، وزارت بهداری و بهزیستی دستور داده است تا اطلاع ثانوی از ثبت نام آنها خودداری شود.»

قبول شدگان به وزارتخانه‌های بهداری و علوم مراجعه‌کردند، اما جواب صریحی به آنها داده نشد. صدای اینها به صدای مربیان شاغل بهداشت مدارس پیوند خورده، که میگویند:

«وظیفه مامراقبت ازبهداشت وسلامتی دانش‌آموزان مدارس است. به‌ما امکانات بدهید تا نتیجه کارمان را ببینید. درحالیکه به‌ما، که برخلاف میلمان، بعد از انقلاب، از آموزش وپرورش به‌وزارت بهداری منتقلمان کرده‌اند، امکانات کار نمیدهند.»

این دیگرشوخی نیست

این نامه از سفارت پاکستان درتهران‌به‌نامه «مردم» رسیده است:

۲۹ مارس ۱۹۸۰، سردبیرمردم، تهران.

آقای محترم،

عطف به‌مطلب مندرجه درشماره ۲۸ اسفندآن روزنامه‌مبنی برواگذاری سلاح‌های چینی به‌پاکستان، خبر در اختیار قراردادن اینگونه تجهیزات به‌مبارزان افغانی‌وتسلیح پاکستان‌ازسوی‌آمریکا کاملا بی‌پایه است.

۲ـ شاید بدانیدکه پاکستان هرگونه‌کمك نظامی‌آمریکارا رد وبارها اعلام‌کرده است‌که هیچ‌گونه‌کمك نظامی به‌پناهندگان افغانی نمینماید. پاکستان فقط ازنظربشردوستی،احتیاجات‌اساسی پناهندگان افغانی را برآورده میسازد.

بااحترامات فائقه

www.iran-archive.com

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود